



کامل راه‌نمای معلم درس عربی
پایه یازدهم (دوره دوم متوسطه شاخه نظری)
"گروه جسمی-حرکتی"

معاونت برنامه ریزی آموزشی و توان بخشی
سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

به نام خداوند، مستی بخش

سخنی با همکاران

سپاس و ستایش خداوند منان را که بار دیگر فرصتی در اختیار ما قرار داد تا بتوانیم کاری هر چند کوچک در جهت خدمت به دانش آموزان عزیز جسمی - حرکتی انجام دهیم. در این جزوه تلاش شده است تا با ارائه راهکارهای مناسب دانش آموزان را هر چه بیشتر به فراگیری درس عربی ترغیب نمائیم.

از آنجا که اساس تألیف در تمامی بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است لذا بزرگترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش آموزان تدریس نماید، کتاب درسی باید به صورت کامل تدریس گردد. هنر معلم علاقه‌مند کردن دانش آموز نسبت به درس عربی است. لذا از طراحی سؤالات معماگونه خودداری شود و سؤالات حتماً از داخل کتاب باشد. درس‌های عربی مانند زنجیری هستند که هر حلقه‌ی آن نیازمند ارتباط با حلقه‌های دیگر است. در واقع هر درس پیش‌نیازی برای درس بعدی می‌باشد.

یکی از شیوه‌هایی که به آسان شدن درس عربی کمک می‌کند پیش‌مطالعه می‌باشد. پیش‌مطالعه درس عربی و مطالعه‌ی کلمات جدید و ملاحظه‌ی متون جدید، تصویر بهتری از درس در کلاس ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که با انجام این روش بهتر می‌توان در یادگیری درس مشارکت و فعالیت داشت. در رابطه با یادگیری مکالمه و روان‌خوانی دروس، یکی از بهترین شیوه‌ها روان‌خوانی متون است. مهارت روان‌خوانی از مهارت‌های مهم یادگیری یک زبان محسوب می‌شود. پس از یادگیری کلمات جدید درس، دانش آموزان باید نسبت به روان‌خوانی متن درس اقدام نمایند. باید سعی شود اشتباهات دانش آموزان به حداقل رسانده شود. متن درس هر چه بیشتر خوانده شود در یادگیری مؤثر است. دانش آموزانی که روان‌خوانی بهتری دارند یادگیری آنها در درس عربی به مراتب بیشتر است.

در ترجمه متن هر درس معمولاً کلماتی جدید وجود دارد. برای فهمیدن معنای این واژه‌ها و یادگیری کلمات جدید هر درس که نقش بسیار مؤثری در فراگیری درس دارد یادگیری این کلمات ضروری است.

راهکارهایی برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان

- ۱- اهداف یادگیری زبان عربی برای دانش آموزان تعیین شود.
- ۲- تشویق دانش آموزان به تهیه روزنامه دیواری به زبان عربی
- ۳- دادن مسئولیت تدریس بعضی از دروس یا ترجمه بخشی از متون عربی به دانش آموزان
- ۴- تشویق به جملات کوتاه عربی هرچند جمله‌ها بدرستی بیان نشود.
- ۵- ایجاد نگرش مثبت در بین خانواده‌ها در مورد ضرورت یادگیری زبان عربی برای فهم بیشتر قرآن و دیگر متون دینی و ارتباط زبان عربی با فارسی و نقش عربی در فهم بهتر زبان فارسی
- ۶- استفاده از دانش آموزان ممتاز به عنوان همیار معلم در امر آموزش

این مکمل، با تلاش همکاران محترم خانم‌ها تهمینه احمدی، مریم خزاعی سرمزده و مهناز زینالی تالیف و تدوین شده است.

به منظور بالا بردن سطح کیفی این مکمل، از همکاران درخواست می‌شود تا نظرات، پیشنهادات و انتقادهای خود را به این سازمان ارسال نمایند.

مواظظ قیمة

اهداف آموزشی

- ۱- خوانش درست متن درس و ترجمه آن به فارسی
- ۲- آشنایی با کلمات جدید درس
- ۳- شناخت صورت‌های گوناگون اسم تفضیل در زبان عربی
- ۴- شناخت اسم مکان و بیان ترجمه درست آن

روش پیشنهادی تدریس:

پیشنهاد می‌شود برای تدریس این درس ابتدا کلمات جدید درس با کمک دانش‌آموزان خوانده شود. سپس قسمت اعلموا تدریس شود تا دانش‌آموزان با اسم تفضیل و اسم مکان آشنا شوند و نهایتاً با توضیح کوتاهی در مورد اهمیت پندهای درس به خواندن متن و ترجمه آن پرداخته شود و ضمن خواندن متن معلم هر جا به اسم تفضیل یا اسم مکان برخورد با توضیح آن قواعد را در ذهن دانش‌آموزان تثبیت کند.

متن و ترجمه درس:

مواظظ قیمة (پندهای ارزشمند)

يُحِبُّ الْأَبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ.

پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در بهترین حال ببینند.

و لِدَلِكْ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ،

و به همین خاطر همیشه آن‌ها را به صفت‌های خوب و کارهای شایسته راهنمایی می‌کنند.

كَأَلَا خَلَاقِ الْحَسَنَةِ وَ تَعَلَّمَ الْعُلُومِ وَ الْمَهَارَاتِ وَ الْفُنُونِ النَّافِعَةَ،

مانند اخلاق نیک و یادگیری دانش‌ها و مهارت‌ها و هنرهای سودمند.

وَ الْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَرَاذِلِ وَ التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْضَالِ وَ الْإِهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ وَ مُطَالَعَةِ الْكُتُبِ،

و دوری کردن از پستی‌ها و نزدیک شدن به شایستگان و تلاش برای ورزش و مطالعه کتاب‌ها.

وَ إِحْتِرَامِ الْقَانُونِ، وَ الْإِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرَبَاءِ، وَ حُسْنِ التَّغْذِيَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الصِّفَاتِ وَ

الْأَعْمَالِ ...

و احترام به قانون و صرفه جویی در مصرف آب و برق و تغذیه خوب و غیر از آن از صفت‌ها و کارها ...

وَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَرَى «لُقْمَانَ الْحَكِيمِ» يُقَدِّمُ لِأَبْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً وَ هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ بِهٖ كُلُّ الشَّبَابِ.

فَقَدْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.

و در قرآن کریم لقمان حکیم را می‌بینیم که به پسرش پنجاهای ارزشمندی را تقدیم می‌کند و این نمونه‌ای پرورشی برای

کل جوانان است. پس در قرآن کریم آمده است:

« يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ. »

ای پسر من نماز را به پای دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آن چه به تو می‌رسد صبر کن که همانا آن از کارهای

بزرگ است.

وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

و با تکبر رویت را از مردم بر مگردان و در روی زمین با ناز و خودپسندی و شادمانه راه نرو که خداوند هیچ خودپسند

فخر فروشی را دوست ندارد.

وَ اقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.

و در راه رفتنت میانه رو باش و صدایت را پایین بیاور به درستی که زشت ترین صداها، صدای خران است.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا، فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ (ص).

به درستی که خداوند کسی که نماز را در اول وقتش می خواند دوست دارد، پس پیامبر (ص) فرموده اند: «إِنَّ عَمُودَ

الدِّينِ الصَّلَاةُ» (به درستی که نماز ستون دین است).

وَعَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَ الشَّدَائِدِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَةِ.

و بر ماست که بر کارهای شایسته مشتاق باشیم و از کار زشت بازدارنده باشیم، و بر مشکلات و سختی ها صبور باشیم، پس بدرستی که این از کارهای مهم است.

وَعَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ لِأَمَامِ أَسَاتِذِنَا وَ أَصْدِقَائِنَا وَ زَمَلَانِنَا وَ جِيرَانِنَا وَ أَقْرِبَائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا؛ فَقَدْ قَالَ الْأَمَامُ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام):

و ما باید در مقابل استادهايمان و دوستانمان و همکلاسی هایمان و همسایگانمان و خویشاوندانمان و تمام کسانی که اطراف ما هستند فروتن باشیم؛ پس امام کاظم (ع) فرمودند:

«الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.»

«حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار می شود، و در قلب انسان متکبر ستمگر ماندگار نمی شود.»

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مَعْجَبٍ بِنَفْسِهِ. إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخَرِينَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ.

به درستی که خداوند هیچ متکبر خودپسندی را دوست ندارد. بنابراین ما نباید نسبت به دیگران تکبر بورزیم، پس بی شک خداوند انسانهای متکبر را دوست ندارد.

وَعَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ.

و ما نباید صدایمان از صدای مخاطبانمان بالاتر ببریم. پس خداوند سخن کسی را که بدون دلیل منطقی صدایش را بالا می- برد به صدای خر تشبیه کرده است.

عین الصّحیح و الخطأ حسب نصّ الدّرس. (درست و غلط را براساس متن درس مشخص کنید.)

۱- یَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ. نباید صدایمان را بر صدای کسی که با او صحبت می کنیم بالا ببریم. (ص)

۲- عَلَيْنَا أَنْ نُحَافِظَ عَلَىٰ أَدَاءِ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا. ما باید نماز را در وقتش به جای آوریم. (ص)

۳- قَدَّمَ لُقْمَانَ الْحَكِيمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةً. لقمان پندهای ارزشمندی را به پسرش تقدیم کرد. (ص)

۴- لَا تَعْمُرُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِ الْمَتَوَاضِعِ. حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار نمی شود. (غ)

۵- الْأَعْجَابُ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ. خودپسندی کار پذیرفته شده‌ای است. (غ)

اعلموا

اسم تفضیل و اسم مکان

اسم تفضیل به معنای برتری داشتن است و وزن آن «أفعل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ (هر دو را شامل می‌شود)

به این معنی که هم برای «صفت برتر» و هم برای «صفت برترین» از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

کبیر به معنی بزرگ است که برای ساختن اسم تفضیل آن را به وزن «أفعل» می‌بریم.

کبیر ← اکبر (توجه: کلمه اکبر هم به معنی «بزرگ‌تر» و هم به معنی «بزرگترین» است.

آسیا اکبر من أوروبا ← آسیا بزرگ‌تر از اروپا است (صفت برتر) ← مقایسه دو موضوع با هم.

آسیا اکبر قاره فی العالم ← آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است. (صفت برترین) ← مقایسه یک موضوع با چند موضوع دیگر.

نکته ۱: هرگاه بعد از اسم تفضیل حرف جرّ «من» بیاید، در ترجمه از «صفت برتر» استفاده می‌کنیم.

مانند: مَریمُ اکبرُ من زهرا: مریم از زهرا بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف الیه واقع شود باید به صورت «صفت برترین» ترجمه شود.

مانند: آسیا اکبر قاره فی العالم: آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان است.

نکته ۲: مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعلی» می‌آید؛

مانند: زینبُ اکبری ← زینب بزرگ‌تر

توجه: هرگاه بخواهیم اسم تفضیل را در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث قرار دهیم معمولاً از همان وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم.

مانند: مَریمُ اکبرُ من زهرا ← مریم از زهرا بزرگ‌تر است.

نکته ۳: غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِلُ» است.
مثال: أَرَادِلٌ ← أَرَادِلُ ← أَفَاضِلُ

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، دانشمندان به هلاکت می‌رسند.

نکته ۴: بعضی از اسم‌های تفضیل بر وزن «فَعْلَا» می‌آیند.

مانند: دُنْيَا، عَلِيَا، سَفَلِي و ...

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: خودت را امتحان کن.

ترجمه الأحادیث التالیة، ثُمَّ مَنَعَ خَطَاً تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱- سئِلَ رَسُولَ اللَّهِ (ص): مَنَ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ، قَالَ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

اسم تفضیل

اسم تفضیل

از رسول خدا (ص) سؤال شد: محبوب‌ترین مردم نزد خداوند چه کسی است؟ فرمودند سودمندترین مردم برای مردم.

۲- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنَ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولَ اللَّهِ (ص).

اسم تفضیل

داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیافزاید.

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولَ اللَّهِ (ص).

اسم تفضیل

بهترین کارها کسب روزی حلال است.

نکته ۵: کلمات «خَيْرٌ» به معنی «خوبی» و «شَرٌّ» به معنای «بدی» در دو صورت می‌تواند به معنای اسم تفضیل به کار روند:

۱- زمانی که بعد از این دو کلمه حرف جرّ «مِنْ» بیاید.

مانند: الْعَدُوُّ الْعَاقِلُ خَيْرٌ مِّنْ صَدِيقِ الْجَاهِلِ. ← دشمن دانا بهتر از دوست نادان است.

۲- هرگاه این دو کلمه مضاف واقع شوند.

مانند: حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. ← به سوی بهترین کار بشتاب.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: ترجمه العبارات التالیة. ← خودت را امتحان کن: عبارت‌های زیر را ترجمه کن.

۱- (... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ) المومنون: ۱۰۹

... پروردگارا ایمان آوریم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان هستی.

۲- (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ). القدر: ۳.

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۳- شَرُّ النَّاسِ ذُو أُلُوجِهِينِ.

بدترین مردم دارای دو رو (منافق) است.

۴- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ. رسول الله (ص).

بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين علی (ع).

هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود پس او از چارپایان بدتر است.

اسم مکان: در عربی برای بیان مکان از وزن مَفْعَل استفاده می‌شود. **مانند:** مَطْبَخ - مَكْتَب و ...

و گاهی از وزن‌های مَفْعِل و مَفْعَلَه هم استفاده می‌شود. **مانند:** مَنْزِل - مَكْتَبَه: کتابخانه.

جمع اسم مکان بر وزن مَفَاعِل است **مانند:** مَنَازِل - مَدَارِس و ...

إِخْتِيَرِ نَفْسَكَ: خودت را امتحان کن.

تَرْجِمِ الْآيَاتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱- «.... وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ النحل: ۱۲۵»

اسم تفضیل

اسم مکان

... و با آنان با روشی که نیکوتر است مجادله (ستیزه) کن به راستی که پروردگارت به کسی که از راهش گردانده آگاه

تراست.

۲- «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» الأعلی: ۱۷. و آخرت بهتر و پایدارتر است.

اسم تفضیل اسم تفضیل

۳- كَانَتْ مَكْتَبَةً "جندی سابور" فی خوزستان أَكْبَرِ مَكْتَبَةٍ فی العالمِ القَدیمِ. کتابخانه جندی شاپور در خوزستان کتابخانه

اسم مکان اسم تفضیلی

اسم مکان

دنیای قدیم است.

جواز: گفت و گو

فی سوقِ مَشْهَد: در بازار مشهد

بائع الملبس: فروشنده لباس‌ها

الزائرة العریبة: زائر عرب

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ. سلام بر شما، خوش آمدی

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. سلام بر شما

كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ سِتُّونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. شصت هزار تومان

أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي.

از این ارزان‌تر می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است. به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.

أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ أَبْيَضُ وَّ أَسْوَدُ وَّ أَرْزَقُ وَّ أَحْمَرُ وَّ أَصْغَرُ وَّ بِنْفَسْجِي.

چه رنگی دارید؟

سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش

بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟ تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَّ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَّ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟ قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار تومان شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.

السَّيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ. الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ

خانم قیمت‌ها بر حسب جنس آن‌ها متفاوت است. قیمت‌ها گران است.

بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَّ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

این شلوارها چند تومان است؟ شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.

أريدُ سِراويلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ

ذَلِكَ مُتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سِراويلُ أَفْضَلُ.

شلوارهای بهتر از این‌ها می‌خواهم

آن مغازه همکارم است. او شلوارهای بهتری دارد.

فِي مُتَجَرِّ زَمِيلِهِ...: در مغازه همکارش ...

رَجَاءٌ أَعْطِنِي سِراوِلًا مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ... كَمْ صَارَ المَبْلَغُ؟

لطفاً از این نوع شلوار به من بدهید و ... قیمتش چنده؟

صَارَ المَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.

مبلغ دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف مبلغ دویست و بیست هزار تومان به من بدهید.

التَّمارين:

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُناسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات لغت نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱- المُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا: (ستمگری که برای کسی حقی را نمی‌بیند) ← الجَبَّارُ: ستمگر.

۲- الأَنسَانُ الَّذِي يُفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا: (انسانی که به خودش بسیار افتخار می‌کند.) ← المُخْتَالُ: خودپسند.

۳- حَيَوانٌ يَسْتَعْدَمُ لِلْحَمَلِ وَالرُّكُوبِ: (حیوانی که برای بار بردن و سواری به کار گرفته می‌شود) ← الجِمَارُ: خر.

۴- أَلْعَمَلُ السَّيِّئُ وَالْقَبِيحُ: (کار بد و زشت) ← المُنْكَرُ: کار زشت

۵- عُضْوٌ فِي الوَجْهِ: (عضوی در صورت) ← أَلْخَدُ: گونه

التَّمرينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ وَ مَيِّزْ تَرْجَمَتَهَا (نوع: الماضي، المضارع، الأمر)

تمرین دوم: نوع فعل‌هایی را که زیر آنها خط کشیده شده مشخص کن و ترجمه آنها را مشخص کن

أَرَادَ: خواست - فعل ماضی

يَسْتَب: دشنام می دهد - فعل مضارع

قال: فرمود - فعل ماضی دَع: رها کن - امر ما أَرْضَى: خشنود نکرد - فعل ماضی

أَسْخَطَ: خشمگین کرد - فعل ماضی.

رُبَّ سَكُوتٍ أَبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ (مِنَ الْأَمْثَالِ الْعَرَبِيَّةِ)

گاهی سکوت رساتر از سخن است. (از ضرب المثل های عربی)

التمرین الثالث: تَرَجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

تمرین سوم: این احادیث نبوی را ترجمه کن. سپس آنچه را از تو خواسته مشخص کن.

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمَبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ) خوش اخلاقی نیمی از دین است.

مبتدا خبر

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْفَاعِلُ وَ الْمَفْعُولُ) هر کس که بد اخلاق باشد خودش را عذاب می دهد.

مفعول

۳- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَ الْمَفْعُولُ) همانا فرستاده شدم (برانگیخته شدم) تا صفات

فعل ماضی مجهول مفعول

برتر اخلاقی را کامل کنم.

۴- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي) خداوندا همان گونه که آفرینش مرا نیکو

فعل ماضی فعل امر

گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ) در ترازوی اعمال هیچ چیز از

جار و مجرور

اسم تفضیل

خوش اخلاقی سنجین تر نیست.

التَّامِرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيَّنَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

تمرین چهارم: آنچه را که باید ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱- «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» الشعراء: ۲۸ اسم مکان: الْمَشْرِقِ - الْمَغْرِبِ.

پروردگار مشرق و مغرب.

۲- «مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» الإسراء: ۱ اسم مکان: الْمَسْجِدِ

از مسجد الاحرام

۳- يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ اسم تفضیل: أَسْمَعَ

ای شنواترین شنوندگان

۴- يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ اسم تفضیل: أَحْسَنَ

ای بهترین خلق کنندگان.

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اسم تفضیل: أَرْحَمَ

ای مهربانترین مهربانان.

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ: تَرْجِمَ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

تمرین پنجم: فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.

الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْمَاضِي
إِحْسَانٌ: نیکی کردن	أَحْسِنُ: نیکی کن	يُحْسِنُ: نیکی می کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد	اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند	مَاسَفَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُلٌ: عوض کردن	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تَعْلِيمٌ: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

تمرین ششم: اعراب کلماتی را که بصورت رنگی نوشته شده بنویسید.

۱- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» الفتح: ۲۶

مفعول مجرور به حرف جر

(پس خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان فرو فرستاد.)

۲- «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» البقرة: ۲۸۶ (خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)

فاعل مفعول

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ رسول الله (ص) (سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.)

مبتدا خبر

۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رسول الله (ص)

مبتدا مضاف مجرور خبر

محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آنها برای بندگانش است.

۵- عَدَاوَةٌ العَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الجَاهِلِ. أميرالمؤمنین علی (ع). دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.
مبتدا خبر مجرور به حرف جر

التَّامِرِينَ السَّابِعُ: عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

تمرین هفتم: کلمه ناهماهنگ در مجموعه را مشخص کن:

۱- نَمَاجٌ ۲- صَمْتُ ۳- قِيَمَةٌ ۴- أَحْمَرٌ ۵- أَكْثَرُ ۶- مَرَحٌ

التَّامِرِينَ الثَّامِنُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

تمرین هشتم: در جای خالی کلمه مناسب قرار دهید.

۱- سَرَاوِيلٌ ۲- تَمَمَّ ۳- أَهْدَيْنَا ۴- تَرْبَوِيَّةٌ ۵- شَاتِمٌ ۶- مِيزَانٌ

نمونه سؤال امتحانی درس اول

الف. عبارت‌هایی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده را ترجمه کنید:

۱- وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا. /

۲- هُوَ مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ.

۳- أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ.

ب. عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید:

۴- «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»

۵- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»

۶- رَبُّ سَكُوتٍ أبلغَ مِنَ الْكَلَامِ.

۷- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

ج. جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۸- رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.

پروردگارا پس و به ما و تو رحم کنندگان هستی.

۹- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ.

خوش اخلاقی از است.

د. ترجمه‌ی درست را مشخص کنید:

۱۰- عَلَيْنَا أَنْ لَانْرَفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ

الف. ما نباید صدایمان را بلند کنیم

ب. ما نباید صدایمان را بر صدای مخاطب بلند کنیم

۱۱- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ

الف. بهترین کارها کسب روزی حلال است

ب. کاری بهتر از کسب روزی حلال نیست

هـ. اسم تفضیل را در عبارت‌های زیر مشخص کنید:

۱۲- شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَكْذِبُ. ۱۳- مُحَمَّدٌ أَحْسَنُ طَالِبٍ فِي الْمَدْرَسَةِ.

۱۴- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ. ۱۵- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

پاسخ سئوالات امتحانی درس اول:

الف. ۱- راه نرو - با ناز و خودپسندی ۲- خودپسند ۳- خرها

ب. ۴- خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌دهد. ۵- به درستی که خداوند هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست

ندارد. ۶- گاهی سکوت رساتر از سخن است. ۷- شب قدر از هزار ماه بهتر است. ۸- ما ایمان آوردیم / ما را ببخش / رحم

کن / بهترین ۹- نیمی / ایمان ۱۰- ب ۱۱- الف ۱۲- شَرُّ ۱۳- أَحْسَنُ ۱۴- أَفْضَلُ / أَنْفَعَ ۱۵- خَيْرُ

«صنعة التلميح في الأدب الفارسي»

اهداف آموزشی:

- ۱- آموزش لغات درس همراه با معانی متن درس
- ۲- آشنایی دانش آموزان با صنعت تلمیح در ادبیات فارسی
- ۳- آشنا شدن با اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه و طریقه ساخت آنها

روش پیشنهادی تدریس:

- ۱- آموزش لغات به صورت گروهی و تکرار لغات (به مدت ۱۵ دقیقه) انجام گیرد
- ۲- متن درس برای دانش آموزان قرائت و لغات جدید در متن مشخص شود
- ۳- ترجمه درس بصورت گروهی توسط دانش آموزان در کلاس انجام شود

متن و ترجمه درس:

صِنَاعَةُ التَّمْلِيحِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ «جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةٌ لِسَانِهِ.»

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ آيَاتًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ سَمَّوْهَا بِالْمَلْمَعِ، لِكثِيرٍ مِنْ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مَلَمَعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشَّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشَّيرَازِيِّ وَ جَلَالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

ساختار تلمیح در ادبیات فارسی «زیبایی انسان شیوایی گفتار اوست.»

قطعا زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاها است. شاعران ایرانی از آن استفاده کرده‌اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی سرودند و آن را مُلَمَّع نامیدند. بسیاری از شاعران ایرانی مَلَمَعاتی دارند از جمله: حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی.

«مُلَمَّعُ حَافِظِ الشَّيْرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ»

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه. **إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَةَ**

نامه‌ای با دل خونین برای محبوبم نوشتم که من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم.

دارم من از فراقش در دیده صد علامت **أَلَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟**

من از دوری او صدها نشانه در چشم دارم، آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟

هر چند کازمودم از وی نبود سودم **مَنْ جَرَّبَ الْمُجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ**

هر چه که تجربه کردم، از جانب او فایده‌ای به من نرسید. هر کس آزموده را بیازماید، پشیمان می‌شود.

پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا **فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَةُ**

از طیبی درباره احوال محبوبم سؤال کردم گفت: در دوری و هجرانش رنج و عذاب و در نزدیکی اش سلامت است.

گفتم ملامت آید گر گردد دوست گرم **وَ اللَّهُ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِإِلْمَامَتِهِ**

گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می‌شوم به خدا سوگند ما عشقی را بدون سرزنش ندیده‌ایم.

حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین **حَتَّى يَذُوقَ مِنْدُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَةِ**

حافظ مانند خواستاری آمد که جان شیرین بدهد و جامی بستاند، تا از آن جامی از کرامت بچشد.

« مُلَمَّعُ سَعْدَى الشَّيرَازِي »

سَلِّ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمُ فِي الْفَلَوَاتِ تو قدر آب چه دانی که در کنار فُرَاتی

از آب انبارها در باره سوارانی که در بیابانها تشنه‌اند پیرس تو قدر و ارزش آب را چه می‌دانی وقتی در کنار فرات هستی.

شَبَمٌ بِرُؤْيِ تُو رُو زَسْتِ وَ دِيْدِهَامَ بِه تُو رُو شَنِ وَ اِنْ هَجَرْتِ سِوَاءَ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي

شَبَمٌ با دیدن روی تو مثل روز است و چشمم با دیدن تو روشن می‌شود و اگر از من جدایی‌گزینی شب و روزم برابر می‌شود.

اگر چه دیر بماندم امید برنگرفتم مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ اِنَّكَ آتِي

اگر چه مدت زیادی انتظار کشیدم، اما امیدم را از دست ندادم، زمان گذشت و دلم می‌گوید قطعاً تو می‌آیی.

مِنْ اَدْمِي بِه جَمَالَتِ نَدِيْدِمَ وَ نِه شَنِيدِمَ اِگر گَلِي بِه حَقِيْقَتِ عَجِيْنِ اَب حِيَاتِي

من انسانی به زیبایی تو نه دیده‌ام و نه شنیده‌ام، اگر خمیر آفرینش تو از آب و گل است در حقیقت آغشته به آب زندگانی

است.

شَبَانِ تِيْرِه اَمِيْدِمَ بِه صَبْحِ رُؤْيِ تُو بِاشِد. وَ قَدْ نَفْتَشُ عَيْنِ الْحَيَاءِ فِي الظُّلْمَاتِ

شب‌های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می‌شود، و گاهی چشمه زندگی در تاریکی‌ها جستجو می‌شود.

فَكَمْ تُمَرُّ عَيْشِي وَ اَنْتَ حَامِلٌ شَهْدِ جِوَابِ تَلْخِ بَدِيْعِ اسْتِ اَز اَنْ دِهَانِ نَبَاتِي

چه بسیار زندگیم را تلخ می‌کنی در حالی که تو حامل عسل هستی از دهان شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیباست.

نِه پَنج رُو زَهْ عَمْرَسْتِ عَشْقِ رُؤْيِ تُو مَا رَا وَ جَدَّتْ رَائِحَةُ الْوُدِّ اِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي

عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمر دنیاست، اگر خاک قبرم (استخوان پوسیده‌ام) را ببویی، بوی عشق را

می‌یابی.

وَ صَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضِي مَحَامِدِ تُو چِه گُوِيْمَ كِه مَاوْرَايِ صِفَاتِي

هر زیبا روی با نمکی را وصف کردم همانطور که دوست داری و می‌پسندی ستایش‌های تو را چگونه بیان کنم که فراتر از وصف کردن هستی

ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن أُحِبَّتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي

به دلخواه و خواست دشمن از چشم دوست افتادم و بی‌ارزش شدم یارانم از من جدایی گزیدند همانطور که دشمنانم می‌خواهند:

فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد. وَإِنْ شَكَّوْتُ إِلَى الطَّيْرِ تُحْنُ فِي أَلْوِ كُنَاتِ

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثر نمی‌کند و اگر به پرندگان شکایت ببرم در لانه‌ها شیون کنند.

- جملات درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کنید:

- ۱- ۲- ۳- ۴- ۵-

اعلموا: اسمُ الفاعِلِ و اسمُ المفعولِ و اسمُ المبالغةِ

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروهند:

گروه اول: از فعل‌های ثلاثی مجرد گرفته شده و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن «فاعل» و «مفعول» است.

مثال:

صفت مفعولی	اسم مفعول	صفت فاعلی	اسم فاعل	معنی	ماضی
ساخته شده	مَصْنوع	سازنده	صانع	ساخت	صَنَعَ
آفریده شده	مخلوق	آفریننده	خالق	آفرید	خَلَقَ

گروه دوم: از فعل های ثلاثی مزید گرفته شده و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «م» شروع می شود. و در اسم فاعل حرف ماقبل آخرشان کسره و در اسم مفعول فتحه دارد. (اسم فاعل: م..... م...)، (اسم مفعول: م..... م...)

مضارع	معنی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	می بیند	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُرْسِلُ	می فرستد	مُرْسِل	ارسال کننده	مُرْسَل	ارسال شده

نکته (۱): باید توجه داشته باشیم که در بابهای مزید دو باب (تَفَاعُل و اِنْفَعَال) اسم مفعول ندارند.

مثال:

مضارع	معنی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يَنْهَاجِمُ	حمله می کند	مُنْهَاجِم	حمله کننده	—	—
يُنْكَسِرُ	می شکند	مُنْكَسِر	شکونده	—	—

اختبر نفسك (۱): کلمات زیر و دعا را ترجمه کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول را مشخص کن.

الكلمة	الترجمة	اسم الفاعل	اسم المفعول
يُقَرِّبُ: نزدیک می کند.	المقرب	نزدیک شده	<input checked="" type="checkbox"/>
يَعْلَمُ: می داند.	العالم	دانا	<input type="checkbox"/>
يُنتِجُ: تولید می کند.	المنتج	تولید کننده	<input type="checkbox"/>
يُجَهِّزُ: آماده می کند.	المجهز	آماده شده	<input checked="" type="checkbox"/>
يَضْرِبُ: می زند.	المضروب	زده شده	<input checked="" type="checkbox"/>
يَتَكَلَّمُ: سخن می گوید.	المتكلم	گوینده	<input type="checkbox"/>

یا صَانِعٌ كُلِّ مَصْنُوعٍ یا خَالِقٌ كُلِّ مَخْلُوقٍ یا رَازِقٌ كُلِّ مَرْزُوقٍ یا مَالِكٌ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

* ای سازنده هر ساخته شده‌ای، ای آفریننده هر آفریده شده‌ای، ای روزی دهنده هر روزی داده شده‌ای، ای صاحب هر

مال و دارایی. (فرازی از دعای جوشن کبیر)

صَانِعٌ: اسم فاعل / مَصْنُوعٌ: اسم مفعول
خَالِقٌ: اسم فاعل / مَخْلُوقٌ: اسم مفعول
رَازِقٌ: اسم فاعل / مَرْزُوقٌ: اسم مفعول
مَالِكٌ: اسم فاعل / مَمْلُوكٌ: اسم مفعول.

اسم مبالغه:

اسم مبالغه: اسمی است که بر بسیاری صفت یا انجام کار دلالت دارد.

دو وزن مهم آن «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» است؛ مثال:

صَبَّارٌ: (بسیار بردبار) رَزَّاقٌ: (بسیار روزی دهنده)

- گاهی وزن «فَعَالٌ» بر شغل دلالت دارد، مانند خَبَّازٌ (نانوا)، حَدَّادٌ (آهنگر)

- گاهی نیز وزن «فَعَالَةٌ» بر ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می‌کند. مانند: فِتَّاحَةٌ (در باز کن)، سَيَّارَةٌ (خودرو)

اخْتِبرِ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمِ التَّرَاكِيبَ التَّالِيَةَ: ترکیب‌های زیر را ترجمه کن.

۱- عَلَامُ الْغُيُوبِ: بسیار داننده نهرانها.

۲- أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ: بسیار امر کننده به بدی

۳- الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ: خلبان ایرانی

۴- فِتَّاحَةُ الرُّجَاحِ: در باز کن شیشه

۵- الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ: تلفن همراه

۶- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَيْثَمُ التَّمَارِ: درود بر تو ای میثم خرما فروش

التمرین:

التمرین الاول: عین الجملة الصحیحه و غیر الصحیحه حسب الحقیقه: ✓ ✗

جمله درست و نادرست را براساس واقعیت مشخص کن:

۱- الركب جماعة من المسافرين يسافرون على الدواب:

کاروان گروهی از مسافران هستند که سوار بر چارپایان مسافرت می کنند.

۲- غصون الأشجار في الشتاء بدیعه خضرة:

شاخه های درختان در زمستان زیبا (نو) و سبز هستند.

۳- الغداه نهاية النهار، و بدایه ظلام الليل:

صبحگاه پایان روز و شروع تاریکی شب است.

۴- الكاس اناء يشرب به الماء أو الشای:

کاسه ظرفی است که بوسیله آن آب یا چای نوشیده می شود.

۵- يصنع الخبز من العجين:

نان از خمیر ساخته می شود.

التمرین الثاني: ضع في الدائرة العدد المناسب: (كلمة واحدة زائدة)

در دایره عدد مناسب بگذار. (یک کلمه اضافی است):

۱- الوكئة

(۵) زينة من الذهب أو الفضة في يد المرأة. زینتی از طلا یا نقره در دست زن.

۲- الكرامة

(۶) من يعجبك شكله و كلامه و سلوكه. کسی که تو را شکل و سخنش و رفتارش به تعجب

وا می دارد.

۳- الهَجْرُ (۲) شرف و عظمه و عزه النفس. شرف و بزرگی و عزت نفس

۴- الرَّفَاتُ (۳) ترک الصدیق اوالمحب. ترک کردن دوست یا محبوب

۵- السَّوَارُ (۱) بیت الطیور. خانه پرندگان

۶- المَلِيحُ

التمرین الثالثی: ترجم هذه الاحادیث ثم عين المطلوب منك .

این احادیث را ترجمه کن سپس آنچه از تو خواسته شده مشخص کن.

۱- اِيَّاكَ وَ مُصَادَقَهُ الْاِحْمَقُ فَاِنَّهُ يُرِيْدُ اَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ.

از دوستی با نادان بهره‌بریز زیرا او می‌خواهد به تو سود برساند اما به تو زیان می‌رساند.

فعل مضارع: يُرِيْدُ / اَنْ يَنْفَعُ / يَضُرُّ

۲- اَلصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ مُعِينًا عَلَيَّ الْبِرِّ وَ الْاِحْسَانِ .

دوست کسی است که از ستم و دشمنی باز دارد و در نیکی و احسان یاری رساند.

جار و مجرور: عَنِ الظُّلْمِ / عَلَيَّ الْبِرِّ .

۳- اِيَّاكَ وَ مُصَادَقَهُ الْكِذَابِ فَاِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ .

از دوستی با دروغگو بهره‌بریز، زیرا او مانند سراب است دور را بر تو نزدیک می‌سازد و نزدیک را بر تو دور می‌سازد.

اسم مبالغه: الْكِذَابِ

۴- اَلصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي عَيْبِكَ وَ حَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ وَ آثَرَكَ عَلَيَّ نَفْسِهِ .

دوست راستگو کسی است که تو را در مورد عیب نصیحت کند، و در غیابت تو را نگه دارد، و تو را بر خود برگزیند.

المَجْرور بِحَرْفِ جَرٍّ: عَيْبٍ / غَيْبٍ / نَفْسٍ .

۵- مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ اِخْوَانِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا .

هر کس از دوستان سه بار نسبت به خشمگین شود، ولی در موردت بدی و سخن ناروایی نگوید، پس او را برای خودت به دوستی بگیر.

فعل امر: اِتَّخَذَ

۶- يَا بُنَيَّ اِتَّخِذِ اَلْفَ صَدِيقٍ وَّ اَلْاَلْفَ قَلِيْلٌ وَّ لَا تَتَّخِذِ عَدُوًّا وَّاحِدًا وَّ الْوَاحِدُ كَثِيْرٌ.

پسر کم، هزار دوست بگیر که هزار دوست هم کم است و یک دشمن بگیر که یک دشمن هم زیاد است.

فعل النهی: لَا تَتَّخِذُ

« لغات پاورقی »

- | | |
|----------------------------|-------------------------------|
| ۱- اِيَّاكَ: بپرهیز، تو را | ۲- مُصَادَقَةٌ: دوستی کردن با |
| ۳- يَضُرُّ: زیان می‌رساند | ۴- مُعِين: یاری رساننده |
| ۵- بَرٌّ: نیکی | ۶- يُقَرِّبُ: نزدیک می‌سازد. |
| ۷- يُبْعَدُ: دور می‌سازد. | ۸- صَدُوْق: راستگو |
| ۹- اَثْرٌ: برگزید | ۱۰- اَلَمْ يَقُلْ: نگفت |
| ۱۱- اِتَّخَذَ: بگیر. | |

التمرین الرابع: مقابل هر کلمه مترادف و متضاد آن را بنویس:

أرادَ / قُرْبَ / الدُّسْكَانَ / اَلْوُدَّ / اَلْعُدَاءَ / اَلْبُعْدَ / الصَّحْرَاءَ / اَلْغَدَاءَ / اَلْحَرْبَ

أ

صَدُوْقٌ / قُرْبٌ / مُصَادَقَةٌ / اَثْرٌ / مُعِينٌ / سَلٌ / سِعْرٌ / مُعْجَبٌ / بِنَفْسِهِ / رَفَعَ

ب

كذَّابٌ ≠ صَدُوْق

اَلْاَحْبَةُ ≠ اَلْعَدَاءُ

بَعَدَ ≠ قُرْبَ

اَلْعُشْيَةُ ≠ اَلْغَدَاءُ

مُسَاعِدٌ = مُعِين	أَفْلَاةٌ = الصَّحْرَاءِ
إِنْتَخَبَ = أَثَرَ	أَلْحَبُّ = أَلْوَدُّ
عَدَاوَةٌ ≠ مُصَادِقَةٌ	السُّلْمُ ≠ الْحَرْبُ
أَجِبٌ ≠ سَلٌ	شَاءَ = أَرَادَ
قِيَمَةٌ = سِعْرٌ	الْمُتَجَرُّ = الدُّكَّانُ
نَزَلَ ≠ رَفَعَ	أَلْقُرْبُ ≠ أَلْبُعْدُ
مُخْتَالٌ = مَعْجَبٌ بِنَفْسِهِ	دَنَا = قَرَّبَ

التَّيْمِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ

اسْمَ التَّفْضِيلِ

آيات زیر را ترجمه کنید سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کنید:

- ۱- أَنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا. / قطعاً او یاری شده است. / مَنْصُورًا: اسم مفعول.
- ۲- أَنْكَأَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. / قطعاً تو بسیار داننده بر غیبها هستی. / عَلَّامٌ: اسم مبالغه.
- ۳- قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ. / بگو مشرق و مغرب برای خداست. الْمَشْرِقُ / الْمَغْرِبُ: اسم مکان.
- ۴- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. / قطعاً خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد. / الْمُتَوَكِّلِينَ: اسم فاعل.
- ۵- اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ. / خداوند بر آنچه که انجام می دهید داناتر است. أَعْلَمٌ: اسم تفضیل.

۶- مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ.

چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت. این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرستادگان او راست گفتند.

مَرْقَدِنَا: اسم مکان - الْمُرْسَلُونَ اسم مفعول.

التَّمْرِينِ السَّادِسِ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ ثُمَّ عَيِّنِ بَابَ كُلِّ مِنْهَا.

افعال را در جملات زیر ترجمه کن سپس باب هر یک از آنها را مشخص کن.

- ۱- أَنْشَدْنَا فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِي . در صف صبحگاه شعر سرودیم . باب: افعال
- ۲- نَخَرَجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَةٍ . سال بعد از مدرسه دانش آموخته می شویم . باب: تَفَعُّلٌ
- ۳- جُنُودُنَا يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ . سربازانمان از میهن دفاع می کنند . باب: مُفَاعَلَةٌ
- ۴- تَنْفَتَحُ الْأَزْهَارُ فِي الرَّبِيعِ . شکوفه‌ها در بهار شکفته می شوند . باب: اِنْفِعَالٌ
- ۵- الشَّرِيكَانِ تَعَامَلَا قَبْلَ سَنَةٍ . دو شریک سال قبل داد و ستد کردند . باب: تَفَاعُلٌ
- ۶- يَسْتَعْدِمُ الْمَصْنَعُ عُمَّالًا . کارخانه کارگرانی را به کار می گیرد . باب: اسْتِفْعَالٌ
- ۷- رَجَاءٌ عَلَّمَنِي الزَّرَاعَةَ . لطفاً، به من کشاورزی یاد بده . باب: تَفْعِيلٌ
- ۸- اِسْتَعْلَى عِنْدَ أَبِي . نزد پدرم کار می کنم . باب: اِفْتِعَالٌ

«آزمون عربى درس ٢»

١- عَيْن الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْمَفْرَدَاتِ:

(١) نَحْنُ: ما (٢) بَسَاتينَ: پيراهن ها (٣) الف: هزار ✓ (٤) مُعِين: يارى شونده

٢- عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا جَمْعُ التَّكْسِيرِ:

(١) سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمَ فِي الْفُلَاتِ (٢) أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي

(٣) لَيْسَتْ دُمُوعَ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَهُ (٤) وَجَدْتُ رَايِحَهُ الْوَدَّ أَنْ شَمَمْتُ رِفَاتِي ✓

٣- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ اسْمُ الْفَاعِلِ؟

(١) تِلْكَ سَفِينَةٌ مُتَهَاجِمَةٌ عَلَى مِيَاهِ الْخَلِيجِ الْفَارَسِيِّ ✓ (٢) إِعْلَمْ يَا وَلَدِي أَنَّ مُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ

(٣) مُسَاعَدَةُ النَّاسِ خَيْرٌ عَمَلٍ يَقُومُ بِهَا الْإِنْسَانُ (٤) الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا فَرِيضَةٌ فِي الْإِسْلَامِ

٤- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لَيْسَ اسْمُ الْمَفْعُولِ؟

(١) هُدَى بِنْتُ مَشْكُورَةَ فِي الْقَرْيَةِ كُلِّهَا (٢) ذَهَبَ أَكْثَرُ الْمُتَعَلِّمِينَ إِلَى صُفُوفِهِمْ ✓

(٣) هَذِهِ اِكْعَاتِبَةُ لَيْسَتْ مَجْهُولَةً أَبَدًا (٤) نَعَمْ أَعْرِفُ هَذَا الشَّيْءَ مَعْلُومٌ لِجَمِيعِ

٥- عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ مِنَ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ:

(١) فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (٢) هَذَا الطِّفْلُ مَنَّظِرٌ وَالدُّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ ✓

(٣) وَاللَّهِ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (٤) سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ

۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

مَضِيَّ الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي.

(۱) زمان می گذرد، اما قلبم می گوید: بی شک تو آمدنی هستی.

(۲) زمانه سپری شد و دلم می گفت: قطعاً تو در آینده می آیی.

(۳) زمان گذشت و قلب من می گوید که تو در حال آمدنی.

(۴) زمان گذشت و دل من می گوید بی شک تو در حال آمدن هستی. ✓

۷- شَاهِدُنَا فِي الْفَلَاةِ رَكْبًا يُسَافِرُونَ عَلَي دَوَابِهِمْ:

(۱) در صحرا کاروانی را دیدم که سوار بر چهارپایان به سفر می روند.

(۲) اسب سوارانی را در بیابان مشاهده کردیم که همراه با چهارپایانشان به مسافرت رفتند.

(۳) دیدیم جماعتی از کاروان شتران را که سواره بر چهارپایان مسافرت می کردند.

(۴) در بیابان، کاروان شترانی را دیدیم که سوار بر چهارپایانشان سفر می کردند. ✓

۸- عَيْنَ الْخَطَاءِ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) سَلِّ الْمَصَانِعَ رَكْبًا نَهِيمٌ فِي الْفَلَوَاتِ: از آب انبارها، درباره سوارانی پرس که در بیابانها تشنه و سرگردانند.

(۲) وَ اِنْ هَجَرْتَ سِوَاءَ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي: و به راستی اگر دوری گزینی شب و روزم یکی است. ✓

(۳) اَخَافُ نِيكَ وَ اَرَجُوْا سُنْعِيْثُ وَ اَدْنُو: از تو می ترسم، به تو امید دارم از تو کمک می خواهم و به تو نزدیک می شوم.

(۴) وَ جَدْتِ رَائِحَةَ الْوَدِّ اِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي: اگر استخوان پوسیده ام را ببویی بوی عشق را می یابی.

عجائب المخلوقات

اهداف درس

- ۱- واژگان را بداند.
- ۲- متن درس را همراه با ترجمه بداند
- ۳- اسلوب شرط و ادوات آن را بشناسد
- ۴- اسلوب شرط و ادوات آن را به کار ببرد
- ۵- ادوات شرط را تشخیص دهد و به کار ببرد
- ۶- جملات شرطی را ترجمه کند و به کار ببرد

روش پیشنهادی

با توجه به مشکل بودن لغات درس بهتر است لغات جدید به صورت کارت یا کیسه‌ای نوشته شود در ابتدا تکرار گردد. اما با توجه به محدود بودن زمان این کار توسط اولیاء انجام گردد و در کلاس تکرار شود و یا دانش‌آموزان لغات را در منزل بخوانند و آشنایی داشته باشند. در مورد طبیعت، کنفرانس از سوی دانش‌آموزان و مسائل محیط زیست و یا بهداشت در کلاس صحبت شود.

عجائب المخلوقات

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَتَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ رَسُول (ص) مَنْ يَتَفَكَّرَ فِي خَلْقِ اللَّهِ يُشَاهِدُ قُدْرَتَ اللَّهِ

بیندیشید در آفرینش و نیندیشید در آفریننده ، رسول خدا هر کس در آفرینش خداوند بیندیشد قدرت خدا را می بیند.

الطَّائِرُ الطَّنَانُ هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ طُولُهُ خَمْسَةٌ سِتِّمِثْرَاتٍ

مرغ مگس خوار کوچک ترین پرنده روی زمین است طول آن پنج سانتی متر است.

يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَالْأَسْفَلَ وَالْيَمِينِ وَالشِّمَالِ وَالْإِمَامَ وَالْخَلْفَ

پرواز می کند به بالا و پایین و به راست و چپ و به روبه رو و جلو و پشت عقب.

و النَّطْلَاقَةُ وَتَوْقِفَةُ السَّرِيعَانِ يَثِيرَانِ التَّعَجُّبِ سُمِّيَ طَنَانًا

به حرکت در آمدن و ایستادن سریع او شگفتی را برمی انگیزند، مرغ مگس نامیده می شود.

لِأَنَّهُ يُحْدِثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحِيهِ فَإِنْ تُحَاوَلُ رُؤْيَا جَنَاحِيهِ لَا تَقْدَرُ

زیرا او ایجاد می کند صدای زنگ را به علت سرعت حرکت دو بال او پس اگر تلاش می کنی دیدن دو بالش را نمی توانی

بینی.

أَتَدْرِي لِمَاذَا لِأَنَّهُ يُحْرِكُ جَنَاحِيهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيْبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ

آیا می دانی برای چه ؟ زیرا او دو بالش را تقریباً هشتاد بار در ثانیه حرکت می دهد.

التَّمْسَاحُ:

التَّمْسَاحُ لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ فَبَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ

تمساح برای او راهی نا آشنا در تمیز کردن دندان هایش دارد پس بعد از این که غذایش را بخورد.

يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ فَيَفْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطَّيُورِ بِاسْمِ الزَّقْرَاقِ

در ساحل استراحت می کند. پس نوعی از پرندگان به نام مرغ باران به او نزدیک می شود.

فِيَفْتَحُ التَّمْسَاحُ فَمُّهُ فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطَّائِرُ فِيهِ وَ يَبْتَدِئُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطِّعَامِ مِنْ فِيهِ

پس تمساح دهانش را باز می کند و آن پرنده به آن داخل می شود و شروع به نوک زدن باقی مانده های غذا از دهانش می کند.

و بَعْدَ إِذْ بَنَتْهُ مِنْ عَمَلِهِ يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ

و پس از این که کارش به پایان برسد به سلامت خارج می شود

السَّمَكُ الطَّائِرَةُ :

نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَقْفُزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَيْلَةِ الْقَوَى

ماهی پرنده نوعی از ماهی هاست که با حرکتی از دم نیرومندش از آب می پرد.

و يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ حَيْثُ يَمْتَدُّ زَعَانَةُ الْكَبِيرَةِ الَّتِي تَعْمَلُ كَجِنَاحَيْنِ

و روی سطح آب پرواز می کند طوری که باله های بزرگش را که مانند دو بال کار می کنند، می کشد.

يَفْعَلُ ذَلِكَ لِلْفِرَارِ مِنْ أَعْدَائِهِ يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ ثَانِيَةً ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ

آن را برای فرار از دشمنانش انجام می دهد. این ماهی چهل و پنج ثانیه پرواز می کند. سپس به سمت آب پایین می آید و در آن داخل می شود.

نَقَارُ الْخَشَبِ :

طَائِرٌ يَنْقُرُ جَزَعُ الشَّجَرِ بِمَنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى

دار کوب پرنده ای است که با منقارش ده بار در ثانیه به تنه درخت نوک می زند.

و هذه السرعة لا تضر دماغه الصغير بسبب وجود عضوين في رأسه لدفع الصربات

و این سرعت به علت وجود دو عضو در سرش برای دور کردن ضربه ها به مغز کوچکش آسیب نمی رساند.

الأول تصحيح بين الجمجمة و المنقار و الثاني لسان الطائر الذي يدور داخل جمجمة

اولی بافتی میان جمجمه و نوک است و دومی زبان پرنده است که درون جمجمه اش می چرخد.

السَّجَابِ الطَّائِرُ:

لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى

سنجاب پرنده پرده ویژه‌ای مانند چتر دارد که هنگامی که می پرد به درخت دیگر آن را باز می کند.

وَيَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَخَمْسِينَ قَدَمَا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ

می تواند در یک پرش بیش تر از صد و پنجاه قدم پرواز کند.

حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ:

فِي مُتَبَصِّفِ النَّهَارِ وَعِنْدَمَا تَحْرَقُ الرُّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ

مار بیابان در نیمه روز و هنگامی که ماسه‌ها پاهای کسی را که در روی آن راه می رود را از شدت گرما می سوزاند.

تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ ثُمَّ تَقْفُ كَالْعَصَا فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ

این مار دُمش را در ماسه‌ها می گذارد سپس مانند عصا می ایستد پس هرگاه پرنده‌ای روی آن بایستد آن را شکار می کند.

قواعد

اسلوب الشرط و ادواته

جملاتی مانند اگر درس بخوانی موفق می شوی، را جملات شرطی در فارسی می نامند. در زبان عربی نیز این چنین جملاتی وجود دارد که به آن جملات شرطی می گویند. در فارسی با کلمه اگر می آید اما در عربی با ادوات شرط می آید. مهم ترین ادوات شرط عبارتند از: مَنْ (هر کس) - مَا (هر چه) - اِذَا (هر گاه).

نکته:

۱- این ادوات معمولاً بر سر جملاتی می آیند که دو فعل دارند به فعل اول که بعد از این ادوات می آید فعل شرط و به فعل دوم جواب شرط می گویند.

مَنْ يَدْرُسُ كَثِيراً يَنْجَحُ فِي الْاِمْتِحَانِ ← هر کس بسیار درس بخواند در امتحان موفق می شود.
↓ ↓ ↓
ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

۲- گاهی جواب شرط به صورت جمله اسمیه می آید.

وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ← هر کس به خدا توکل کند پس خدا بر او کافی می باشد.
↓ ↓ ↓
ادوات شرط فعل شرط جواب شرط (اسمیه)

نکته مهم (بعد از فَ) جواب شرط می آید و از لحاظ ظاهری اعراب تغییری نمی کند.

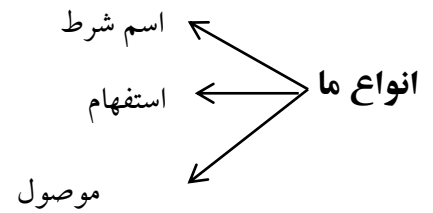
انواع مَنْ:

۱- مَنْ سوالی

← اگر بر سر فعل مضارع بیاید مجزوم می شود و تبدیل به ساکن می شود.

۲- مَنْ موصولی

ما



نکته: اگر (ما) بر سر فعل مضارع بیاید جزم می شود و در معنا اثری ندارد.

مثال:

ما تزرع فی الدنيا تحصد فی الاخره ← هر چه در جهان بکاری در آخرت درو می کنی.

ادوات شرط فعل شرط مضارع جواب شرط مضارع

ان

ان تزرع خیراً تحصد سروراً ← اگر نیکی بکاری شادی درو می کنی.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

إذا

إذا امتهدت نجحت ← هر گاه تلاش کنی، موفق می شوی.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

نکته: إذا معنای شرط می دهد ولی در ظاهر فعل مضارع تغییر نمی دهد.

ترجمه کردن جملات شرطی

۱- ادوات شرط + فعل شرط (ماضی) + جواب شرط (ماضی)

فعل شرط را به صورت مضارع التزامی و جواب شرط را به صورت مضارع اخباری ترجمه می کنیم.

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَآزَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ← هر کس به خدا و رسولش ایمان بیاورد در دنیا و آخرت رستگار

مضارع اخباری

مضارع التزامی

می شود.

ادوات شرط فعل شرط (ماضی) جواب شرط ماضی

۲- ادوات شرط + فعل مضارع (فعل شرط) + جواب شرط (مضارع)

فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

من یؤمن بالله و رسوله و یقر فی الدنيا و الآخرة. ← هر کس به خدا و رسولش ایمان بیاورد در دنیا و آخرت رستگار

مضارع اخباری

مضارع التزامی

می شود.



جواب شرط مضارع

فعل شرط مضارع

ادات شرط

التمارين

التمرین الأول: آی کلمه من کلمات معجم الدرس تناسب التوضیحات التالیة.

۱- آداة لحفظ الإنسان أمام أشعة الشمس أو نزول المطر أو الثلج.

(وسیله ای برای حفظ انسان در مقابل اشعه خورشید یا بارش باران یا برف (المظلة= چتر)

۲- طائر ینقر جزوع الأشجار و ینصع عشا فیها

پرنده ای که به تنه درختان نوک می زند و در آن ها لانه ای می سازد. (نقار الخشب= دارکوب)

۳- حیوان یمشی علی بطنه

حیوانی که روی شکمش راه می رود (الحيه = مار)

۴- عضو تطیر به الطائر

عضوی است که پرنده به وسیله آن پرواز می کند (الجنح= بال)

التمرین الثانی:

الف) ترجم العبارات التالية

۱- تَسَقَطُ إِنْسَانٌ سَمَكَ الْقِرَشِ دَائِماً وَ تَنَمُو إِنْسَانٌ جَدِيدُهُ مَكَانَهَا وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنَمُوا آلَافُ الْإِنْسَانِ فِي سِنَةٍ وَاحِدَةٍ.

صفت و مرفوع

فاعل و مرفوع

دندان‌های کوسه ماهی پیوسته می‌افتند و دندان‌های جدید رشد می‌کند و در برخی از آن هزار دندان در یک سال رشد می‌کند.

۲- يُعَدُّ الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي العَالَمِ يَبْلُغُ طَوْلَهُ ثَلَاثِينَ مِترًا وَ وِزْنَهُ مِنةً وَ سَبْعِينَ طَنًا تَقْرِيْبًا.

مجرور به حرف جر

صفت و مرفوع

نهنگ آبی بزرگ‌ترین موجود زنده در جهان به شمار می‌رود و طول آن به سی متر و وزنش تقریباً ۱۷۰ تن است.

۳- التَّمْسَاحُ لَاتَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ تُفَرِّزُ عُيُونَهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.

مفعول و منصوب

مفعول و منصوب

مبتدا و مرفوع

تمساح هنگام خوردن شکارش گریه نمی‌کند بلکه هنگامی که شکار بزرگ تر از دهانش باشد از چشمانش مایع ترشح می‌شود.

۴- لَهْجَاتُ نُوعٍ وَاحِدٍ مِنْ الطُّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مَنْطِقَةٍ أُخْرَى.

مجرور به حرف جر

مجرور به حرف جر

لهجه‌های یک نوع از پرندگان از یک منطقه با منطقه دیگر فرق می‌کند

۵- يَقْدِرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بِحَارِ العَالَمِ بِالْمِائِلِينَ.

مضاف الیه و مجرور

فاعل و مرفوع

دانشمندان انواع موجودات زنده در دریا‌های جهان میلیون‌ها نوع برآورد کرده‌اند.

ب) عین الفعل المتعدی من هذه الافعال التي جاءت في الجمل السابقه

تَسْقَطُ - يَأْكُلُ - تَخْتَلِفُ - يُقَدِّرُ
 ↓ ↓ ↓ ↓
 (لازم) (متعدی) (لازم) (متعدی)

التمرین الثالث

صَعِّح المترادفات و المتضادات في مكانها المناسب

يَدْرِي = يَعْلَمُ التَّيْسَارُ = الشَّمَالُ التَّقَرُّبُ ≠ الْإِبْتِعَادُ
 يَضْحَكُ ≠ يَبْكِي الْأَمْوَاتُ ≠ الْأَحْيَاءُ الْأَسْفَلُ ≠ الْأَعْلَى
 يَصْرُفُ ≠ يَنْفَعُ الصَّدَاقَةُ ≠ الْعَدَاوَةُ سَكَتٌ ≠ تَكَلَّمَ

التمرین الرابع

اكمل ترجمه الايات والحديثين، ثم عين اداة الشرط و فعل الشرط و جوابه

۱- و ما تفعلوا من خير يَعْلَمُهُ اللهُ. ← و هر چه را از کار نیک خدا آن را می داند.
 ↓ ↓ ↓ ↓
 ادات شرط فعل شرط جواب شرط انجام دهید (مضارع اخباری)

۲- إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ. ← اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می کنید. (مضارع)
 ↓ ↓ ↓ ↓
 ادات شرط فعل شرط جواب شرط نیکی می کنید (مضارع)

۳- إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا. ← اگر از خدا پروا کنید برایتان نیروی تشخیص حق از باطل
 ↓ ↓ ↓ ↓
 ادات شرط فعل شرط جواب شرط قرار می دهد (مضارع اخباری)

٤- مَنْ سَأَلَ فِي صُغْرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. (امام علی (ع)) ← هر کس در خردسالی اش پرسد در بزرگسالی اش

↓ ↓ ↓
اداء شرط فعل شرط جواب شرط

.....

↓

پاسخ می دهد (مضارع اخباری)

التمرین الخامس

ترجم العبارات فی الجمل التالیة ثم عین نوعها و صیغتها

للترجمه الفارسیة

نویس بر روی اثار تاریخی

دو نیمه مساوی می شود

پر شده ورزشگاه از تماشاچیان

لطفاً فکر کنید قبل از سخن

همانا که من دو گل ثبت کردم

الجمله العربیة

لا تکتب علی الأثر التاریخی

الفریقان یتعادلان مرّة ثانیة

إمتلاء الملعب بالمتفرجین

رجاء فکروا قبل الکلام

انی سجّلت هدّفین

صیغه الفعل

نوع فعل

مفرد مذکر مخاطب

فعل نهی

لا تکتذب

مثنی مذکر غائب

فعل مضارع

یتعادلان

مفرد مذکر غائب

ماضی

إمتلاء

جمع مذکر غائب

فعل امر

فکروا

متکلم وحده

ماضی

سجّلت

نمونه سوال های درس سوم :

۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ : (أ) لَا تَضُرُّ بِمَلْعَةٍ الصَّغِيرِ (ب) وَخَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ
۲	اَكْتُبِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتْرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ : (كَلِمَتَيْنِ زَائِدَتَيْنِ) (الْيَسَارِ - الْصَّالَةِ - الْأَعْلَى - الْقِيَامِ - الْقَاعَةِ - الْأَسْفَلِ) (أ) (..... =) (ب) (..... ≠)
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى : (أ) (ذَيْلٌ - رَمْلٌ - جَنَاحٌ - زَعَنَفَةٌ) (ب) (الْحَكْمُ - حَارِسُ الْمَرْمَى - أَمْتَقَرَجٌ - أَلْتَسَلَّلُ)
۴	اَكْتُبِ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ : (أ) مَفْرَدٌ أُفَوَاهُ = (ب) جَمْعٌ حَيَّةٌ =
	مهارت ترجمه (۷ نمره)
۵	ترجم هذه العبارات : (أ) ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (ب) لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ مِائِينَ مَرَّةً تَقْرِيْبًا! (ج) فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطَّيُورِ بِاسْمِ الرُّقَاقِ! (د) وَيَبْدَأُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِهِ! (هـ) يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً! (و) طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ مِمَّنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ! (ز) وَ الثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجْمَتِهِ. (ح) وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا! (ط) يَطِيرُ إِلَى الْأَمَامِ وَ الْخَلْفِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الشَّمَالِ! (ي) الْفَرِيقَانِ يَتَعَادَلَانِ مَرَّةً ثَانِيَةً.
۶	انتخب الترجمة الصحيحة : (أ) مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ، حَصَدَ الْخُسْرَانَ . ۱-هرکس دشمنی بکارد، زیان می کند. ۲-هرکس دشمنی کاشت، زیان درو کرد. (ب) ﴿وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ ۱-و هرگاه نادانان آنان را خطاب کنند سخن آرام می گویند. ۲-و هرگاه آنان نادانان را خطاب کردند سخن آرام گفتند.
۷	کمل الفراغات في الترجمة الفارسية : (أ) ﴿وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ و هرچه را از کار نیک ، خدا آن را (ب) أَلْتَمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ . تمساح هنگام خوردن

تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية

اهداف آموزشی

- ۱- خوانش درست متن درس و ترجمه آن به فارسی
- ۲- آشنایی با کلمات جدید درس
- ۳- درک پیام و هدف متن (واژه دهی و واژه شناسی میان زبان‌ها، پدیده‌ای طبیعی است)
- ۴- اسم معرفه و نکره را از هم تشخیص بدهند.
- ۵- شناخت حروف «آن - کن - کی - لگی و حتی» و ترجمه درست آن‌ها

روش پیشنهادی تدریس:

پیشنهاد می‌شود برای تدریس این درس ابتدا کلمات جدید درس با کمک دانش‌آموزان خوانده شود. سپس قسمت‌ها را عملیاً تدریس شود تا دانش‌آموزان با اسم معرفه و نکره آشنا شوند و ضمن تدریس متن به آن‌ها اشاره شود. با توجه به متن درس که به بررسی کلمات مشترک زبان فارسی و عربی می‌پردازد از دانش‌آموزان بخواهیم اگر مورد بنظرشان می‌رسد را بیان کنند و سپس به خواندن متن و ترجمه آن بپردازند.

متن و ترجمه درس:

المفردات الفارسیة دخلت اللغة العربية منذ العصر الجاهلي،

واژگان فارسی از زمان دوره جاهلی وارد زبان عربی شدند،

فقد نقلت إلى العربية ألفاظ فارسية كثيرة بسبب التجارة ودخول الإيرانيين في العراق واليمن،

پس کلمات فارسی بسیاری به علت تجارت و ورود ایرانیان به عراق و یمن عربی منتقل شده‌اند،

وَ كَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمَسِكِ وَالذَّبَاجِ.

و آن واژگان به بعضی از کالاهایی که عرب‌ها نداشتند، مانند مشک و ابریشم مربوط می‌شد.

وَ اسْتَدَّ النَّقْلُ مِنَ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيرَانَ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

و انتقال از فارسی به عربی بعد از پیوستن ایران به دولت اسلامی شدت گرفت.

وَ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ أَزْدَادَ نَفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

و در دوره عباسی نفوذ زبان فارسی افزایش یافت.

حِينَ شَارَكَ الْأِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ امثالِ أَبِي مُسْلِمٍ الْخُرَّاسَانِيِّ وَ آلِ بَرْمَكٍ

هنگامی که ایرانیان در قیام دولت عباسی به دست امثال ابومسلم خراسانی و آل برمک شرکت کردند.

وَ كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الْكُتُبِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ. مِثْلُ كَلِيلَةِ وَ دَمَنَةِ.

و ابن مقفع نقش بزرگی در این تأثیر داشت، پس تعدادی از کتاب‌های فارسی مانند کلیله و دمنه را به عربی منتقل کرده

است.

وَ لِلْفِيروزِ آبَادِيٍّ مُعْجَمٌ مَشهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ يَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

و فیروز آبادی لغت نامۀ معروفی به نام «قاموس» دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی دربر دارد.

وَ قَدَيَّنَ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ أَبْعَادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ.

و دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تأثیر را در پژوهش‌هایشان آشکار کرده‌اند.

فَقَدْ آلفَ الدَّكْتُورُ التَّوْنُجِيُّ كِتَابًا يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ الْمُعْرَبَةَ سَمَاءً «مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ».

پس دکتر تونجی کتابی نگاشته است که کلمات فارسی عربی شده را دربرمی‌گرفت که آن را «لغت نامۀ عربی شده‌های

فارسی در زبان عربی» نامیدند.

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتْ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَ أَوْزَانُهَا.

ولی کلمات فارسی‌ای که وارد زبان عربی شد پس صدای آن‌ها و وزن‌شان تغییر کرده است.

و نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَقَفًا لِأَلْسِنَتِهِمْ

و عرب‌ها براساس زبان‌هایشان آن‌ها را بیان کرده‌اند.

فَقَدْ بَدَّلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسِيَّةَ «گ، چ، پ، ژ» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا، مِثْلُ:

پس حروف فارسی «گ، چ، پ، ژ» را که در زبان‌شان یافت نمی‌شود، به حروفی نزدیک از مخارج‌هایشان تغییر دادند. مانند:

پَرْدِيس ← فَرْدوس مِهْرگان ← مِهْرجان چادْر شَب ← شَرشَف

بِهشت ← بهشت جَشْنوارة ← جَشْنوارة چادر شَب ← چادر شَب (ملحفه)

وَ اسْتَقْوَا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى مِثْلُ «يَكْفُرُونَ» فِي آيَةِ (.... يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ ... مِنْ كَلِمَةٍ «گنج» الْفَارِسِيَّةِ. وَ از آن‌ها

کلمات دیگری برگرفتند، مثل «ذخیره می‌کنند» در آیه (... ذخیره می‌کنند طلا و نقره را ...) از کلمه گنج فارسی.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَالْبَيَانِ. مَا بَائِدَ بَدَانِيمَ كَهَ رَدِّ وَ

بدل کردن واژگان بین زبان‌ها در جهان امری طبیعی است که آن‌ها را در شیوه و روش گفتار بی‌نیاز می‌کند.

وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛

و ما نمی‌توانیم زبانی را بدون کلماتی که وارد آن شده پیدا کنیم.

كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ،

تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی پیش از اسلام بیش‌تر از تأثیرش پس از اسلام بود.

وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ أَزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

و اما بعد از پیدایش اسلام پس واژگان عربی در زبان فارسی به علت عامل دینی زیاد شده بود.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ. (با کمک متن درس به سؤالات زیر پاسخ بده):

۱- لِمَاذَا أَزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

چرا بعد از ظهور اسلام کلمه‌های عربی در فارسی زیاد شدند؟ به خاطر عامل دین.

۲- بَعْدَ أَيِّ حَادِثٍ تَارِيخِيٍّ اِشْتَدَّ نَقْلُ الْكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟

پس از چه حادثه تاریخی انتقال کلمات فارسی به عربی شدت گرفت؟

بَعْدَ مَاشَارَكِ الْأِيرَانِيِّينَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ.

بعد از این که ایرانی‌ها در قیام دولت عباسی شرکت کردند.

۳- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ الدَّكْتُورُ التَّوْنُجِيُّ».

گرد آورنده واژه نامه عربی شده‌های فارسی در زبان عربی چه کسی است؟ دکتر تونجی.

۴- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ مَنذَ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ.

چه زمانی واژه‌های فارسی وارد زبان عربی شد؟ از زمان جاهلیت.

۵- بِأَيِّ سَبَبٍ نُقِلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ؟

به چه علتی کلمه‌های فارسی به عربی منتقل شد؟

بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الْأِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَ الْيَمَنِ.

به دلیل تجارت و داخل شدن ایرانیان در عراق و یمن.

۶- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟ تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ.

چه چیزی زبان را در سبک و گفتار بی نیاز می‌کند؟ تبادل کلمات بین زبان‌ها در جهان.

«اعلموا» (بدانید)

المعرفة و النكرة

قواعد درس چهارم: در زبان عربی اسم‌ها از نظر شناخته شده بودن یا ناشناخته بودن به دو گروه تقسیم می‌شوند:

(۱) **اسم‌های معرفه:** به اسمی که برای شنونده، خواننده و یا گوینده شناخته شده و مشخص باشد، «معرفه» می‌گویند.

مانند: ایران، محمد، الله، آسیا و ...

(۲) **اسم‌های نکره** به اسمی که برای شنونده، خواننده و یا گوینده شناخته شده و مشخص نباشد، «نکره» می‌گویند. مانند:

کتاب، رَجُلٌ، طالباً و ...

انواع اسم معرفه بیان شده در کتاب:

(۱) **اسم‌های معرفه «ال»** ← حرف تعریف «ال» + اسم نکره ← اسم معرفه به ال

مانند: رَجُلٌ ← ال + رَجُلٌ ← الرَّجُلُ (معرفه به ال) و یا ال + کتاب ← الْكِتَابِ (معرفه به ال)

(۲) **معرفه به عَلم (اسم خاص):** اسامی افراد، شهرها، کشورها، مکان‌های خاص، رودها، کوه‌ها و ... معرفه به اسم عَلم

محسوب می‌شوند. مانند: محمد، ایران، آسیا، البرز و ...

نکته (۱): مهم‌ترین نشانه و علامت اسم‌های معرفه داشتن «ال» می‌باشد.

مثال (۱): جاءَ رَجُلٌ: مردی آمد (رَجُلٌ: اسم نکره) ← جاءَ الرَّجُلُ: مرد آمد (الرَجُلُ: اسم معرفه)

مثال (۲): رَأَيْتُ طَالِباً: دانش آموزی را دیدم (طَالِباً: اسم نکره) ← رَأَيْتُ الطَّالِبَ: دانش آموز را دیدم. (الطَّالِبُ: اسم معرفه)

(معرفه)

نکته (۲): اگر اسمی به صورت «نکره» آمده باشد و همان اسم دوباره در ادامه همراه به «ال» بیاید می‌توان اسمی را که با

«ال» همراه شده با «این» یا «آن» ترجمه کرد.

مثال: رایتُ أفراساً. كَانَتْ الأفراسُ جَنْبَ صاحبِها. اسب‌هایی را دیدم آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند.

توضیح: کلمه‌ی «أفراساً» اسمی نکره است و در عبارت بعدی که با «ال» آمده (الأفراسُ) با «آن» ترجمه شده است.

اسم نکره: همانطور که گفته شد؛ اسمی است که برای شنونده یا مخاطب ناشناخته و ناشناس باشد.

نکته (۱): اسم‌های نکره معمولاً با «تنوین» (ـُ، ـِ، ـٍ) به کار می‌روند.

مثال: جاءَ رَجُلٌ: (اسمی نکره است) - رایتُ طالباً فی الصَّفِّ: (طالباً: اسمی نکره است)

- فی زُجَاجَةٍ: (زُجَاجَةٍ: اسمی نکره است)

ترجمه اسم‌های نکره: در زبان فارسی اسامی نکره به سه شکل زیر ترجمه می‌شوند:

(۱) جاءَ رَجُلٌ: مردی آمد. (۲) جاءَ رَجُلٌ: یک مرد آمد. (۳) جاءَ رَجُلٌ: یک مردی آمد.

نکته (۲): اگر اسمی تنوین گرفت و آن اسم، عَلم (اسم خاص) نبود، قطعاً آن اسم «نکره» است.

مثال: کوكبٌ، مؤمناً، شَجَرَةٌ و ...

توجه: اسامی عَلم با وجود این که اسم معرفه می‌باشند، می‌توانند تنوین (ـُ) بگیرند.

مثال: مُحَمَّدٌ - عَلِيٌّ - حُسَيْنٌ و ...

نکته (۳): گاهی اوقات خبر از نوع «مفرد» در جمله‌ی اسمیه با تنوین می‌آید که در این صورت نیازی به ترجمه آن به

صورت نکره نمی‌باشد.

مثال: العِلْمُ كَنْزٌ: دانش گنج است. - هذا كتابٌ: این کتاب است.

مگر این که متعلقاتی مثل صفت داشته باشد. **مانند:** - هذا كتابٌ مفيدٌ: این کتابی مفید است.

نکته (۴): از میان اسامی خداوند فقط اسم «الله» معرفه به عَلم می‌باشد.

نکته (۵): اگر اسمی عَلمی «ال» گرفته باشد آن اسم همچنان المعرفه به «عَلم» خواهد بود.

مثال: - إِنَّ الحُسَيْنَ (ع) مِصْبَاحُ الهُدَى: الحُسَيْنِ ← معرفه به عَلم

نکته (۶): اسم‌های عامی مانند: «طالِبَانِ - طَالِبِيْنَ و ... (اسم‌های مثنی)» و «طالِبُونَ - طَالِبِيْنَ و ... (اسم‌های جمع مذکر

سالم)»: «نکره» محسوب می‌شوند زیرا نه «ال» دارند و نه از اسامی «عَلَم» محسوب می‌شوند.

ولی اسم‌هایی مانند: «مُحَمَّدِيْنَ، مَحْمَدُونَ، مُحَمَّدِيْنَ» با این که از اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالمند از آن جایی که عَلَم

می‌باشند معرفه به عَلَم محسوب می‌شوند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ مَايَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكْرَةِ.

خودت را امتحان کن: بر حسب قواعد معرفه و نکره ترجمه کن.

(۱) «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» النور: ۳۵.

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور او مانند چراغدانی است که در آن چراغی است. آن چراغ در شیشه‌ای است.

آن شیشه گویی یک ستاره درخشان است.

(۲) «... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...» المزمّل: ۱۵ و ۱۶.

... به سوی فرعون رسولی را فرستادیم پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.

(۳) **عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ (ص).**

دانشمندی که از علمش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عبادت کننده است.

تَرْجُمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

ترجمه فعل مضارع (۱)

هر گاه حروفی مانند: (أَنْ: که اینکه) - (لَنْ: هرگز) - (كَيْ: تا) - (لِكَيْ: تا اینکه) - (لِ: برای) - (حَتَّى: برای اینکه) که حروف ناصبه هستند؛ قبل از افعال مضارع قرار بگیرند، تغییراتی را در آخر فعل ایجاد می کنند. که این تغییرات عبارتند از:

(۱) صیغه‌هایی که به حرکت (مُضَمَّة) ختم می شوند؛ حرکت (مَفْتُوحَه) می گیرند. (صیغه‌های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴).

مانند: أَنْ يُعَلِّمَ - لِكَيْ نَكْتُبَ.

(۲) در بقیه‌ی صیغه‌ها که آخرشان به حرف «ن» ختم می شوند «حرف ن» از آخرشان حذف می شود «به جز دو صیغه جمع مؤنث یعنی صیغه‌های (۶ و ۱۲)»

مثال: أَنْ يُعَلِّمُوا - لِكَيْ تَكْتُبِي - لَنْ تَسْمَحَا و ... / أَنْ يُعَلِّمَنَّ - لِكَيْ تُعَلِّمَنَّ.

* نحوه ترجمه افعال مضارع با حروف ناصبه:

۱- حروف «أَنْ - كَيْ - لِكَيْ - لِ - حَتَّى» معنای فعل را به «مضارع التزامی» تبدیل می کند.

مثال: أَنْ يُعَلِّمُوا: اینکه تعلیم دهند. - رَجَعْتُ أَنْ أَجْلِسَ: برگشتم که بنشینم.

۲- حرف «لَنْ» معنای فعل را به «مستقبل منفی» تبدیل می کند. (آوردن کلمه‌ی «هرگز» در ترجمه الزامی نیست).

مثال: لَنْ نَكْتُبَ: (هرگز) نخواهیم نوشت. - أَنْتَ لَنْ تَنْسَى: (هرگز) تو فراموش نخواهی کرد.

نکته (۱): ترکیب «أَنْ + لا (نفی) + فعل مضارع (مرفوع) = أَلَّا + فعل مضارع (منصوب)

مثال: أَنْ + لا (نفی) + يَرْجِعُونَ = أَنْ لَا يَرْجِعُوا / أَلَّا يَرْجِعُوا (اینکه باز نگردند)

نکته (۲): فعلی که حرف «لِ» ناصبه بر سر آن آمده است در جمله غالباً علّت وقوع فعل قبل از خود می باشد، به همین

دلیل به آن «لام تعلیل» گفته می شود.

مثال: اِصْبِرُوا لِحُكْمِ اللَّهِ بَيْنَنَا: صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند. («داوری کند» علت فعل «صبر کنید» می باشد).

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

خودت را امتحان کن: دو آیه و حدیث را بر حسب قواعد درس ترجمه کن و سپس فعل های مضارع را مشخص کن.

(۱) «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ» الْبَقَرَةُ: ۲۱۶.

و چه بسا (شاید) چیزی را ناپسند بدانید در حالی که آن برای شما بهتر است و چه بسا (شاید) چیزی را دوست بدانید در

حالی که آن برای شما بدتر است. فعل مضارع: أَنْ تَكْرَهُوا / أَنْ تُحِبُّوا.

(۲) ... «أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ...» الْبَقَرَةُ: ۲۵۴ / فعل مضارع: أَنْ يَأْتِيَ

... از آن چه به شما روزی دادیم انفاق کنید. پیش از آن که روزی بیاید که در آن، نه چیزی برای فروش هست و نه دوستی

...

(۳) مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمَعَارِضَةُ قَبْلَ أَنْ يُفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يُعْلَمُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع).

از اخلاق نادان پاسخ دادن پیش از آن که بشنود و مخالفت پیش از آن که بفهمد و داوری کردن به آن چه نمی داند، است.

فعل مضارع: أَنْ يَسْمَعَ / أَنْ يُفْهَمَ / لَا يُعْلَمُ.

التمارين: تمرین ها

التمرین الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

جمله درست و نادرست را بر حسب حقیقت مشخص کن.

۱- الْمِسْكُ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغَزْلَانِ.

مُسْكٌ عَطْرِيٌّ اسْتِ أَنْ نَوْعِيٍّ آهْوٍ كَرَفْتَه مِي شَوْد.

۲- أَلشَّرَشَفُ قِطْعَةٌ فُماشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ. ✓

ملحفه تگه پارچه‌ای است که روی تخت گذاشته می‌شود.

۳- الْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا. ☒

عرب‌ها، کلمات وارد شده را طبق اصل آن‌ها بر زبان می‌آورند.

۴- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِائَاتُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ. ✓

در زبان عربی صدها کلمه عربی شده دارای ریشه فارسی هست.

۵- أَلَّفَ الدُّكْتُورُ التَّوْنُجِي كِتَاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التَّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. ☒

دکتر تونجی کتابی نگاشت که کلمه‌های ترکی عربی شده در زبان عربی را دربردارد.

التَّامِرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

تمرین دوم: عبارت فارسی مناسب برای عبارت عربی را مشخص کن:

الف- هرچه پیش آید خوش آید.

۱- تَجْرِي الرِّيَاحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. (و)

(بادها به طرفی که کشتی‌ها نمی‌خواهند می‌وزند)

ب- کم گوی و گزیده گوی چون در

۲- أَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. (ه)

(دور از چشم، از قلب دور است)

ج- گرسبر کنی زغوره حلواسازی

۳- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَعَصِيْتُمْ أَمْرِي. (د)

(خرمایم را خوردید و دستورم را اطاعت نکردید)

د- نمک خورد و نمکدان شکست

۴- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ. (ب)

(بهترین سخن آن است که کم باشد و راهنمایی کند.)

هـ. از دل برود هر آن که از دیده رود

۵- الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. (ج)

(صبر کلید گشایش است.)

و- برد کشتی ان جاکه خواهدخدای/وگرجامه برتن درد ناخدای

۶- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. (الف)

(خوبی در چیزی است که اتفاق می افتد.)

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: أُجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبِ الصُّورِ.

تمرین سوم: به سئوالات زیر بر حسب تصاویر پاسخ بده.

بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ بِالْحَافِلَةِ

دانش آموزان با چه به مدرسه می روند؟ با اتوبوس.

فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟ فِي مِصْرَ

این اهرام در چه کشوری واقع است؟ در مصر

كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ فِي الشَّتَاءِ؟ بَارِدٌ (سرد) وَ ثَلْجِيٌّ (برفی)

هوا در اردبیل در زمستان چطور است؟

لِمَنْ هَذَا التَّمَالُ؟ سَبْوِيَه.

این مجسمه مال کیست؟ سیبویه

هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟ نَعَمْ.

آیا در تصویر چهره‌ای را می بینی؟ بله

مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟ بَيْتًا

بالای رودخانه چه می بینی؟ خانه‌ای

التمرین الرابع: أ: عین التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ المَعْرِفَةِ والنَّكْرَةِ.

تمرین چهارم: الف. ترجمه درست را بر حسب قواعد معرفه و نکره مشخص کن.

- | | | |
|--------------------------------|--|--|
| ۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. | صدای عجیبی را شنیدم. <input checked="" type="checkbox"/> | صدای عجیب را شنیدم. <input type="checkbox"/> |
| ۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | به روستایی رسیدم <input type="checkbox"/> | به روستا رسیدم <input checked="" type="checkbox"/> |
| ۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي. | نگاهی به گذشته <input checked="" type="checkbox"/> | نگاه به گذشته <input type="checkbox"/> |
| ۴- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ. | بندگان درستکار <input type="checkbox"/> | بندگان درستکار <input checked="" type="checkbox"/> |
| ۵- أَلَسَّوَارُ الْعَتِيقُ. | دستبند کهنه <input checked="" type="checkbox"/> | دستبندی کهنه <input type="checkbox"/> |
| ۶- التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ. | تاریخی زرین <input type="checkbox"/> | تاریخ زرین <input checked="" type="checkbox"/> |

ب. تَرِجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ المَعْرِفَةِ والنَّكْرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ المَعْرِفَةَ والنَّكْرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ.

ب. جمله‌های زیر را طبق قواعد معرفه و نکره ترجمه کن. سپس معرفه و نکره را در آنچه به آن اشاره شده مشخص کن.

سَجَلَتْ مَنْظَمَهُ اَلْيُونِسْكَو مَسْجِدَ اَلْإِمَامِ وَقَبَّةِ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.

معرفه

معرفه

سازمان یونسکو مسجد امام و گنبد کاووس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.

عِمَارَةٌ خُسْرُو آبَاد فِي سَنَدَجٍ يَجْذِبُ سِيَّاحًا.

نکره

معرفه

عمارت خسرو آباد در سنندج گردشگرانی را جذب می‌کند.

حَدِيقَةُ شَاهَزَادَةِ قُرْبِ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.

نکره

معرفه

باغ شاهزاده نزدیک کرمان بهشتی در صحرا است.

مَعْبَدٌ كُرْدُ كَلَا فِي مَحَافِظَةِ مَازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ.

معرفه

معرفه

معبد کردکلا در استان مازندران یکی از آثار قدیمی است.

التمرين الخامس: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

تمرين پنجم: کلمه ی درست را بر حسب فعل ماضی مشخص کن.

اسمُ الْفَاعِلِ	الْمَصْدَرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
<input checked="" type="checkbox"/> الموافق	<input type="checkbox"/> التوفيق	<input checked="" type="checkbox"/> وافق	<input checked="" type="checkbox"/> يُوافق	وافق
<input type="checkbox"/> الموقف	<input checked="" type="checkbox"/> المواقفه	<input type="checkbox"/> وقف	<input type="checkbox"/> يُوقف	
<input type="checkbox"/> المقرب	<input checked="" type="checkbox"/> التقرب	<input type="checkbox"/> قرب	<input type="checkbox"/> يُقرب	تقرب
<input checked="" type="checkbox"/> المتقرب	<input type="checkbox"/> التقريب	<input checked="" type="checkbox"/> تقرب	<input checked="" type="checkbox"/> يتقرب	
<input checked="" type="checkbox"/> المتعارف	<input type="checkbox"/> المعارفه	<input checked="" type="checkbox"/> تعارف	<input type="checkbox"/> يتعارف	تعارف
<input type="checkbox"/> المعرف	<input checked="" type="checkbox"/> التعارف	<input type="checkbox"/> اعرف	<input checked="" type="checkbox"/> يتعارف	
<input checked="" type="checkbox"/> المشتغل	<input checked="" type="checkbox"/> الاشتغال	<input checked="" type="checkbox"/> اشتغل	<input type="checkbox"/> يشتغل	اشتغل
<input type="checkbox"/> المنشغل	<input type="checkbox"/> الانشغال	<input type="checkbox"/> انشغل	<input checked="" type="checkbox"/> يشتغل	
<input type="checkbox"/> المنفتح	<input type="checkbox"/> الاستفتاح	<input checked="" type="checkbox"/> انفتح	<input type="checkbox"/> يفتح	انفتح
<input checked="" type="checkbox"/> المنفتح	<input checked="" type="checkbox"/> الانفتاح	<input type="checkbox"/> تفتح	<input checked="" type="checkbox"/> يفتح	
<input checked="" type="checkbox"/> المسترجع	<input type="checkbox"/> الارتجاع	<input checked="" type="checkbox"/> استرجع	<input checked="" type="checkbox"/> يسترجع	استرجع
<input type="checkbox"/> المرجع	<input checked="" type="checkbox"/> الاسترجاع	<input type="checkbox"/> راجع	<input type="checkbox"/> يرتجع	
<input checked="" type="checkbox"/> المنزل	<input type="checkbox"/> النزول	<input type="checkbox"/> انزل	<input type="checkbox"/> ينزل	نزل
<input type="checkbox"/> النازل	<input checked="" type="checkbox"/> التنزيل	<input checked="" type="checkbox"/> نزل	<input checked="" type="checkbox"/> ينزل	
<input type="checkbox"/> الأكرم	<input checked="" type="checkbox"/> الإكرام	<input checked="" type="checkbox"/> أكرم	<input checked="" type="checkbox"/> يكرم	أكرم
<input checked="" type="checkbox"/> المكرم	<input type="checkbox"/> التكريم	<input type="checkbox"/> كرم	<input type="checkbox"/> يكرم	

التَّامِرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ۱- «... فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...» الأعراف: ۸۷ (فعل امر)
 فعل امر
 ... پس صبر کنید تا خدا میان ما داوری کند....
- ۲- «... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ...» الفتح: ۱۵ (المُضَافَ إِلَيْهِ)
 مضاف الیه
 ... می‌خواهند که گفتار خداوند را تغییر دهند....
- ۳- «... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ...» المائدة: ۶ (الْفَاعِلِ)
 فاعل
 ... خداوند نمی‌خواهد تا برای شما حالت بحرانی قرار دهد...
- ۴- «... لَكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ...» آل عمران: ۱۵۳ (الْفِعْلَ الْمَاضِي)
 الفعل الماضي
 ... تا بر آن چه از دست شما رفت غمگین نباشید....
- ۵- «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...» آل عمران: ۹۲ (الْفِعْلَ الْمَضَارِعَ)
 الفعل المضارع الفعل المضارع الفعل المضارع
 به نیکی دست نخواهید یافت تا از آن چه دوست می‌دارید انفاق کنید....

التَّامِرِينَ السَّابِعُ: اُكْتُبِ جَمْعَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ

- | | | |
|---------------------------|-------------------------------|------------------------------|
| فَرَسٌ : أفراس (اسب ها) | أَثَرٌ : آثار (اثرها) | تَارِيخٌ : تواریخ (تاریخ ها) |
| قَرْيَةٌ : قُری (روستاها) | عَبَدٌ : عباد (بندگان) | دَوْلَةٌ : دُول (کشورها) |
| مِثْلٌ : أمثال (نمونه ها) | مَلْعَبٌ : ملاعب (ورزشگاه ها) | رَسُولٌ : رُسُل (پیامبران) |
| كِتَابٌ : کُتُب (کتاب ها) | سِنٌ : أسنان (دندان ها) | سَمَكٌ : أسماك (ماهی ها) |
| جَذَعٌ : جذوع (تنه ها) | جَنَاحٌ : اجنحه (یال ها) | فَمٌ : أفواه (دهان ها) |

نمونه سؤال عربی درس چهارم

الف. معنی کلمات مشخص شده را بنویسید.

- ۱- ما كانت عند العرب المسك والديبا. ۲- اشتد النقل من الفارسية إلى العربية.
۳- لا نستطيع أن نجد لغة بدون كلمات دخيلة. ۴- له معجم كبير يضم مفردات كثيرة.

ب. مترادف و متضاد کلمات زیر را مشخص کنید. (دو کلمه اضافه است).

«كثرت - أجباء - ساحل - قلت - يحتوى - صداقه - تريد - سلام»

۷- تشتهى =

۶- أعداء ≠

۵- يضم =

۱۰- ازدادت ≠

۹- شاطئي =

۸- خلّة =

ج. ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱۱- عالمٌ ينتفع بعلمه، خيرٌ من ألفِ عابدٍ.

الف. دانشمندی که با علمش سود می‌رساند، از هزار عبادت کننده بهتر است.

ب. دانشمندی که از علمش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عبادت کننده است.

۱۲- رايثُ أفراساً. كانت الأفراسُ تحملُ البضائع.

الف. اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کالاها را می‌بردند.

ب. اسب‌ها را دیدم. آن اسب‌ها کالاها را می‌برند.

د. موارد خواسته شده را مشخص کنید.

۱۳- «یریدونَ أن یبدلوا کلامَ اللّهِ» (فعل مضارع)

۱۴- أنفقوا ممّا رزقناکم من قَبْلِ أن یأتی یومَ لایبَع فیهِ ولا خُلَّةٌ ولا شفاعةٌ. (فعل امر / فعل مضارع)

هـ. گزینه مناسب را انتخاب کن.

۱۵- الفِعلُ الماضی من «یوافقُ»: وَفَّقَ وَاقَّقَ تَوَافَّقَ

۱۶- اسم فاعِلٍ من «تَعَلَّمَ»: مُعَلِّمٌ مَتَعَلَّمٌ مُتَعَلِّمٌ

و. عبارت فارسی مناسب را انتخاب کن.

۱۷- الخیرُ فی ما وَفَع.

الف. کم گوی و گزیده گوی چون دُر ب. هر چه پیش آید خوش آید.

۱۸- الصبرُ مفتاحُ الفرج.

الف. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی ب. نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

پاسخ آزمون

الف. ۱- مشک ۲- شدت گرفت ۳- وارد شده ۴- دربرمی گیرد.

ب. ۵- یریدونَ ۶- أحباء ۷- تُریدُ ۸- صِدَاقَهُ ۹- ساحل ۱۰- قَلَّتْ

ج. ۱۱- ۲ ۱۲- الف

د. ۱۳- یریدونَ - أن یبدلوا ۱۴- فعل امر: أنفقوا / فعل مضارع: أن یأتی

هـ. ۱۵- وَاقَّقَ ۱۶- مُتَعَلِّمٌ.

و. ۱۷- ب ۱۸- الف

«الْصِّدْقُ»

اهداف آموزشی:

- ۱- آموزش لغات درس همراه با معانی متن درس
- ۲- آشنایی دانش آموزان با جمله‌ای که بعد از اسم نکره می‌آید.
- ۳- آشنا شدن دانش آموزان با زمان‌های مختلف افعال زمانی که بعد از اسم نکره می‌آیند.

روش پیشنهادی تدریس:

- ۱- آموزش لغات به صورت گروهی و تکرار لغات (به مدت ۱۵ دقیقه) انجام گیرد
- ۲- متن درس برای دانش آموزان قرائت و لغات جدید در متن مشخص شود
- ۳- ترجمه درس بصورت گروهی توسط دانش آموزان در کلاس انجام شود

متن و ترجمه درس:

الْصِّدْقُ

- يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَحَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا، فَمَا اسْتَطَاعَ، فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَطَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي، فَنَصَحَهُ بِالتَّزَامِ بِالْصِّدْقِ، وَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ، فَكَلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا، اِمْتَنَعَ عَنْهُ لُوفَائِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ، وَبِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَعُيُوبِهِ لِالتَّزَامِهِ بِالْصِّدْقِ.

راستگویی

- حکایت می‌شود که مردی بسیار گناهکار و پر از عیب بود. و از کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرد که آن‌ها را اصلاح کند، ولی نتوانست. پس به سوی مردی دانشمند و درستکار رفت و از او پندی خواست که او را از ارتکاب گناهان باز دارد. او را به پابندی به راستگویی پند داد، و قولی از این موضوع از او گرفت. و هرگاه آن مرد خواست که گناهی مرتکب شود، بخاطر وفای به عهدش از آن خودداری کرد، تا به مرد دانشمند دروغ نگوید.

و با گذشت روزها به خاطر پابندیش به راستگویی از شر گناهان و عیب‌هایش رها شد.

- وَ يُحْكِي أَنَّ شَابًا كَانَ كَذَابًا، وَ فِي أَحَدِ الْإَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ وَ نَادَى أَصْحَابَهُ:
النَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ... فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ وَعِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ ضَحَكَ عَلَيْهِمْ، كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلُ ثَلَاثَ
مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرَقُ، فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَ لَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يُكَذِّبُ
مِنْ جَدِيدٍ.

- و حکایت می‌شود که جوانی بسیار دروغگو بود، و در یکی از روزها داشت در دریا شنا می‌کرد و تظاهر به غرق شدن کرد، و دوستانش را صدا زد، کمک، کمک، ... پس دوستانش برای اینکه او را نجات دهند به سویش شتافتند، و هنگامی که نزد او رسیدند، او به آنها خندید. این کار را سه بار تکرار کرد، و بار چهارم موج بالا رفت و نزدیک بود آن جوان غرق شود. پس شروع به صدا زدن دوستانش کرد، ولی آنها گمان کردند که او دوباره دروغ می‌گوید.

- فَلَمَّ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ وَأَنْقَذَهُ فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ: شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَيْدُ بِي
كَادَ يَقْتُلْنِي، فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَ مَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكَيْدِ مَرَّةً أُخْرَى.

- پس آنها به او توجه نکردند تا اینکه یکی از مردم به سویش شتافت و او را نجات داد. آن جوان به دوستانش گفت: نتیجه کارم را دیدم، دروغ گفتم نزدیک بود مرا بکشد، پس از امروز به بعد هرگز دروغ نخواهم گفت، و این جوان بار دیگر به دروغ گفتن بازنگشت.

- قال الله تعالى: يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين.

خداوند بلندمرتبه فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و همراه با راستگویان باشید.

- الصِّدْقُ مَعَ اللَّهِ تَجَلِي بِالْخُلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ، وَ الصِّدْقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا تَكْذِبَ عَلَى الْآخِرِينَ.

- راستگویی با خدا در خالص کردن کارها برای او نمایان می‌شود و راستگویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوئیم.

- وَ قَالَ النَّبِيُّ (ص): كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ.

- و پیامبر فرموده است: خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی، او سخت را باور کند، در حالی که تو به او دروغ می‌گویی.

- وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع): مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ.

- و امام علی (ع) فرموده است: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش‌های زبان و همه جای چهره‌هایش آشکار شد.

- إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذِبَ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ.

- بنابراین شخصی بسیار دروغگو نمی‌تواند دروغش را پنهان نماید یا انکار کند.

- مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ! «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ حَجِّهِ وَالمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِم بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ

انظروا إلى صدق الحديث و أداء الأمانة.

- سخن پیامبر چه زیباست! به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ شبانه آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری نگاه کنید.

- جملات درست و نادرست را براساس متن درسی مشخص کنید:

1- 2- 3- 4- 5-

«اغلموا»

«الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ»

- معمولاً هنگامی که بعد از اسم نکره فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره را توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن

اسم حرف ربط «که» می آید که فعل مطابق شرایط جمله ترجمه می شود، **مثال:**

شَاهِدْنَا سِنَجَابًا يَقْفِرُ مِنْ شَجْرَةٍ إِلَى شَجْرَةٍ.

سنجابی را دیدم که از درختی به درختی می پرید.

رَأَيْتُ وَكَلْدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

ماضی استمراری

پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

ماضی استمراری

نکته (۱): در دو جمله بالا بعد از اسم نکره فعل مضارعی آمده است که اسم نکره را توضیح می دهد و در ترجمه فارسی

بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و فعل مضارع نیز معمولاً ماضی استمراری ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع = ماضی استمراری

نکته (۲): زمانی که فعل اول مضارع باشد و بعد از آن اسم نکره بیاید و بعد از اسم نکره فعل مضارع دو بیاید باید فعل

مضارع دومی را به صورت مضارع التزامی یا مضارع اخباری ترجمه شود.

مثال: أُفْتِشُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می گردم که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می کند)

مضارع اخباری

مضارع التزامی

نکته (۳): اگر فعل اولی ماضی باشد و بعد از آن اسم نکره بیاید و بعد از اسم نکره فعل ماضی دیگری بیاید فعل ماضی

دومی را بصورت ماضی بعید یا ماضی ساده ترجمه می کنیم.

ماضی + اسم نکره + ماضی = ماضی بعید یا ماضی ساده

اخْتَبِرْ نَفْسِكَ: ترجمه هذه العبارة حسب قواعد الدرس ثم عين نوع الافعال

الف: این عبارات را براساس قواعد درس ترجمه کن سپس نوع افعال را مشخص کن.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ.

ترجمه: خداوند! همانا من به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نمی‌شود و از قلبی که فروتنی نمی‌کند. و علمی که سود نمی‌رساند و نمازی که بالا برده نمی‌شود و دعایی که شنیده نمی‌شود.

أَعُوذُ: فعل مضارع لا تَشْبَعُ: فعل مضارع منفي لا يَخْشَعُ: فعل مضارع منفي

لا يَنْفَعُ: فعل مضارع منفي لا تَرْفَعُ: فعل مضارع منفي مجهول لا يُسْمَعُ: فعل مضارع منفي و مجهول

ب. ميز الافعال المتعدية من: از این افعال، افعال متعدی را مشخص کنید:

يَهْدِي: هدايت می‌کند: متعدی كَفَرُوا: کافر شدند: لازم

قَرَأْتُ: خواندم: متعدی جَلَسْنَا: نشستیم: لازم

حوار

شراء شريخة الهاتف الجوال (خريد سيم كارت تلفن همراه)

الزائرة (زائر زن) موظف الاتصالات (كارمند مخابرات)

رَجَاءُ اعْطِنِي شَرِيخَةَ الْجَوَّالِ . لَطْفًا سِيمِ كَارْتِ تَلْفَنِ هَمْرَاهِ رَا بَه مِنْ بَدَه.

تَفَضَّلِي وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ ؟ بفرما وایا می‌خواهی کارت شارژ

نَعَمْ مِنْ فَضْلِكَ اعْطِنِي بِطَاقَةَ بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ رِيَالًا . بَلَه لَطْفًا يَكُ كَارْتِ بَه مَبْلَغِ ٢٥ رِيَالِ بَه مِنْ بَدَه تَسْتَطَعِينَ أَنْ تَشْحَنِي

رَصِيدَ جَوَّالِكِ عِبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ . می‌توانی که موجودی شارژ موبایلت را از طریق اینترنت شارژ کنی.

الزائرة تُرِيدُ أَنْ تَتَّصِلَ لَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ فَتَذْهَبُ عِنْدَ مَوْظِفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ :

زائر می خواهد تماس بگیرد اما شارژ کار نمی کند. پس پیش کارمند مخابرات می رود و به او می گوید:

عَفْوًا فِي بَطَاقَةِ الشَّحْنِ اشْكَالٌ. ببخشید، در کارت شارژ اشکالی هست؟

أَعْطِنِي الْبَطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سامحینی انتَ عَلَيَّ الْحَقُّ. أُبَدِّلُ لَكَ الْبَطَاقَةَ.

لطفاً کارت را به من بده. مرا ببخش حق با شماست. کارت را برای شما عوض می کنم.

«لغات پاورقی مربوط به حوار»

- ۱- الشَّرِيحَةُ: سیم کارت ۲- الشَّحْنُ: شارژ کرد ۳- أَنْ تَشْحَنِي: که شارژ کنی
۴- الرَّصِيدُ: اعتبار مالی، شارژ ۵- سَامِحِينِي: مرا ببخش ۶- أَنْتَ عَلَيَّ الْحَقُّ: حق با شماست

التمارين

التمرين الأول: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

کدام کلمه از کلمات واژگان درس متناسب با توضیحات زیر است؟

- ۱- ما كانَ يَعْرِفُ السَّبَّاحَةَ فَصَرَخَ النَّجْدَةَ النَّجْدَةَ: شنا کردن نمی دانست پس فریاد زد: کمک، کمک / كَادَ يَغْرِقُ
۲- أَخْفَى شَيْئًا وَجَعَلَهُ بَعِيدًا عَنِ الْأَنْظَارِ: چیزی را مخفی کرد و آن را از دیدگان دور کرد. / أَضْمَرَ
۳- حَسِبَهُ كِذْبًا وَ مَا قَبِلَهُ: آن را دروغ پنداشت و آن را نپذیرفت. / أَنْكَرَ
۴- عَمِلَ عَمَلًا عِدَّةَ مَرَّاتٍ: کاری را چند بار انجام داد. / كَرَّرَ
۵- أَصْبَحَ كَبِيرًا: بزرگ شد. / كَبُرَ

التمرین الثانی: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

احادیث را ترجمه کن سپس آنچه از تو خواسته شده مشخص کن:

۱- أَلْعِلْمُ نُورٌ وَضِيَاءٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ .

دانش نوری است و روشنایی که خداوند آن را در دلهای دوستدارنش می فرستد. العِلْمُ: مبتدا الله: فاعل

۲- لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ وَلَا بِأَمَانَتِهِمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ .

با نماز و روزه شان فریب نخورید اما آنها را هنگام راستگویی و امانتداری بیازمایید.

فعل امر: اِخْتَبِرُوا فعل نهی: لَا تَغْتَرُوا

۳- لَا تَسْتَشِرِ الْكُذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ .

با بسیار دروغگو مشورت نکن، زیرا او مانند سراب است، دور را بر تو نزدیک می سازد و نزدیک را بر تو دور می سازد.

اسم مبالغه: الْكُذَّابُ

۴- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَحْتِيَالِهِ . فاعل: الصَّادِقُ / الْكَاذِبُ

راستگو با راستگویی خود به آن چیزی می رسد که دروغگو با فریبکاریش به آن نمی رسد.

۵- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. با همه ی آنچه که شنیدیش با مردم سخن نگو. فعل نهی: لَا تُحَدِّثُ

«لغات پاورقی ص ۶۸»

۱- السَّبَّاحَةُ: شنا کردن ۲- لَا تَغْتَرُوا: فریب نخورید ۳- لَا تَسْتَشِرْ: مشورت نکن

۴- يُقَرِّبُ: نزدیک می سازد ۵- يُبْعِدُ: دور می سازد ۶- الْأَحْتِيَالُ: فریبکاری

التمرین الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

کلمه ناهما هنگ در هر مجموعه را با ذکر علت مشخص کن:

۱- الفنون (هنرها) أَلْخَذَ (گونه) أَلْفَمَ (دهان) أَلَّلَسَانَ (زبان)

پاسخ: الفنون (هنرها) / سه گزینه دیگر اعضای صورت است.

۲- القشِر (پوست) أَلَّلَبَّ (مغز) أَلَّنَوَى (هسته) أَلْغَازَ (گاز)

پاسخ: غاز (گاز) / سه گزینه دیگر اعضای میوه است.

۳- أَلتَّعَلَّبَ (روباه) أَلكَلَبَ (سگ) أَلمَرَّحَ (تکبر و خودپسندی) أَلجَمَارَ (الاغ)

پاسخ: أَلمَرَّحَ (تکبر و خودپسندی) / سه گزینه دیگر اسم حیوان است.

۴- أَلیَمینَ (راست) أَلطَّنَانَ (مرغ مگس) أَلشَّمَالَ (چپ) أَلأَمَامَ (روبرو)

پاسخ: أَلطَّنَانَ (مرغ مگس) / سه گزینه دیگر جهت هستند.

۵- أَلصَّلَاةَ (نماز) أَلشَّرِیْحَةَ (سیم کارت) أَلرَّصیدَ (شارژ) أَلجَوَالَ (تلفن همراه)

پاسخ: أَلصَّلَاةَ (نماز) / سه گزینه دیگر مربوط به تلفن همراه است.

۶- أَلأَحِبَّةَ (دوستان) أَلأَصْدِقَاءَ (دوستان) أَلأَصْحَابَ (یاران) أَلإِضَاعَةَ (تباه کردن)

پاسخ: أَلإِضَاعَةَ (تباه کردن) / سه گزینه دیگر جمع مکسر به معنی دوستان هستند.

التمرین الرابع: ا: تَرَجِمِ أَلجَمَلَ أَلتَّالِیَةَ ثُمَّ عَیِّنِ أَلمَطْلُوبَ مِنْكَ.

الف: جملات زیر را ترجمه کن سپس آنچه را که از تو خواسته شده مشخص کن.

۱- سافرتُ إِلَى قَرِیْهِ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا إِیَّامَ صِغَرِی.

به روستایی سفر کردم عکس دوران کودکیم را مشاهده کردم. قَرِیَّةٌ: مجرور به حرف جر صُورَةُ: مفعول

۲- عَصِفَتْ رِیَاحٌ شَدِیدَةٌ خَرَبَتْ بَیْتًا جَنَبَ شَاطِئِ أَلبَحْرِ.

باد شدیدی وزید خانه‌ای را کنار ساحل دریا خراب کرد. بَیْتًا: مفعول مضاف الیه: أَلبَحْرِ

۳- وَجَدْتُ بَرْنَامَجاً يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ.

برنامه‌ای را پیدا کردم که مرا بر یادگیری عربی کمک می‌کند. بَرْنَامَجاً: مفعول العَرَبِيَّةِ: مضاف الیه

۴- الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْفِذُكَ مِنَ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ.

کتاب دوستی است که تو را از مصیبت نادانی نجات می‌دهد. الْكِتَابُ: مبتدا صَدِيقٌ: خبر

۵- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يُفْرِحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ.

عید مرا به تعجب و امید دارد و فقیران در آن شاد می‌شوند. الْفُقَرَاءُ: جمع مُكْسِر يُعْجِبُنِي: ن وقایه

ب: فعل متعدی را از این افعال که در جملات پیشین آمده مشخص کن.

سافَرْتُ: لازم / شاهَدْتُ: متعدی / عَصَفْتُ: لازم / فَرَبْتُ: متعدی

«آزمون عربی درس ۵»

۱- عَيْنَ عِبْرَةٍ جَاءَتْ فِيهَا بَعْدَ النُّكْرَةِ جَمَلَتَا الْاسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ:

(۱) فی هذا المدرسة صفّ تدریس طالباة بجد.

(۲) کتابک صدیق مخلص یبعدک عن الضلالة ویرشدک الی الصراط المستقیم.

(۳) کبرت خیانة أن تحدت أخاک حديثاً هولک مُصدق و أنت به کاذب. ✓

(۴) اجتهد معلمو مدرستنا فی تعلیم الطلاب بطریقة ننفعم کثیراً.

۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ

(۱) لا یرى المؤمن الموت مکروهاً بسبب قلّة ذنوبه: مؤمن به سبب کمی گناهان مرگ را زشت نمی‌پندارد.

(۲) لا تجد شيئاً فی الدنيا إلا أن الإنسان یسمع منه: چیزی در دنیا نمی‌بینیم که انسان از آن سیر نشود.

۳) لَا تَكُن مَمَّنْ يُقَصِّرُونَ فِي الْعَمَلِ وَلَا يَسْأَلُونَ إِلَّا كَثِيرًا: از کسانی نشو که در کارها کوتاهی می کنند و در سؤال زیاد روی می کنند.

۴) إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّبِعُ دَلِيلَهُ دَائِمًا وَيَسِيرُ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ: عاقل همیشه از راهنمای خود پیروی می کند و در راه مستقیم گام می نهد. ✓

۳- فی آی عبارت تجد جمله جاءت بعد اسم الفاعل النكرة؟

۱) شَاهَدْتُ طُلَّابًا يَسْعَوْنَ بِهِمُ وَنَشَاطٍ وَلَا يَغْفَلُونَ لِحِظَةٍ. ✓

۲) زِيَّتَتْ سَوَارِعُ مَدِينَتِنَا الصَّغِيرَةِ بِالصَّبَاحِ الْمُلَوَّنَةِ يَسْتَفِيدُ الْأَهَالِي مِنْ ضَوْئِهَا.

۳) ذَلِكَ الرَّجُلُ مَحْبُوبٌ لِأَنَّهُ مُتَكَلِّفٌ مَعَاشٍ عَائِلَتِهِ.

۴) إِنِّي أَسْتَطِيعُ أَنْ أَسْتَرِيَ كُتُبًا قِيمَةً مِنْ بَائِعِ الْكُتُبِ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ.

۴- عَيْنُ جُمْلَةٍ جَاءَتْ بَعْدَ الْأَسْمِ النَّكْرَةِ:

۱) لَا تُشَاهِدُ شَرًّا فِي سَلُوبِهِ مَعَ الْأَخْرَيْنِ.

۲) مَشَاهِدَاتُ الْعُلَمَاءِ كَانَتْ سَبَبًا لِزَوَالِ نَكْرَةِ سَيِّطَرَةِ الْغَرِيْزَةِ.

۳) لِأَنِّي إِخْتِلَافًا فِي نَشَاطَاتٍ مَجْمُوعَةٍ وَاحِدَةٍ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ.

۴) نَرَى حَيَوَانَاتٍ تُسَاعِدُ الْأَخْرَيْنَ عِنْدَ حُدُوثِ الْمَشَاكِلِ. ✓

۵- عَيْنُ جُمْلَةٍ جَاءَتْ بَعْدَ اسْمِ النَّكْرَةِ:

۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.

٢) أَكْرَمْتُ صَاحِبَ النِّعْمَةِ لِأَنَّهُ كَانَ يُنْفِقُ نَعْمَهُ عَلَى النَّاسِ.

٣) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ. ✓

٤) شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَذَّبِي كَاذًا يَفْتُلْنِي فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا.

٦- كَانَ أَخِي مَخْرُونًا جِدًّا، لِأَنَّ وَالِدِي كَانَ إِلَى مَا أَرَادَمْنَهُ، مَا هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاغِ؟

(١) لَا يُصْلِحُ (٢) لَا يَلْتَزِمُ (٣) لَا يَلْتَفِتُ ✓ (٤) لَا يَضْمُرُ

٧- أَنْ الرَّجُلِ فِي الْبَحْرِ لَكِنَّ مَا كَانَ أَحَدُ كَلَامِهِ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ

..... بَلْ كَانَ اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاغَاتِ:

(١) قُرْبٍ - يُغْرِقُ - يَصُدَّقُ - كَاذِبًا - صَادِقًا

(٢) خَطَأً - تُصَدَّقُ - مَنْ - كَاذِبًا - صَادِقًا ✓

(٣) ذَنْبًا - تُصَدَّقُ - مَا - كَاذِبًا - صَادِقًا

(٤) جُرْمًا - تُكَذَّبُ - مَنْ - صَادِقًا - كَاذِبًا

إرحموا ثلاثة

اهداف درس

- ۱- واژگان جدید را بدانند.
- ۲- متن درس را همراه با ترجمه بدانند.
- ۳- یادآوری فعل مضارع و ترجمه فعل مضارع را بدانند.
- ۴- حرف لم و لما را تشخیص دهند.
- ۵- حرف لانهی را در جمله به کار ببرند.

روش پیشنهادی:

لغات درس را در کلاس تکرار و شب قبل در منزل خوانده شود و دانش آموزان ۵ تا لغت را شب قبل بیاموزند و از آنها سوال شود. از دانش آموزان بخواهیم داستانی در مورد زندگی پیامبر در کلاس کنفرانس دهند.

ارْحَمُوا ثَلَاثَةً

بر سه فرد دلسوزی کنید

أَسْرَ الْمُسْلِمُونَ فِي غَزْوَةِ طِي سَفَانَةَ ابْنَةَ حَاتِمِ الطَّائِي الَّذِي يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْكَرَمِ.

مسلمانان در جنگ طي سفانه دختر حاتم طایی را که در بخشش به او مثال زده می شود اسیر کردند.

و لَمَّا ذَهَبَتْ مَعَ الْأَسْرَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَتْ لَهُ إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ.

و هنگامی که با اسیران به سوی رسول خدا (ص) رفت به او گفت به درستی که پدرم سرور قومش بود.

يَفِيكُمُ الْأَسِيرَ وَيَحْفِظُ الْجَارَ وَيَحْمِي الْأَهْلَ وَالْعَرَضَ وَيَفْرَجُ عَنِ الْمَكْرُوبِ.

اسیر را رها می کرد و همسایه را نگاه می داشت و از خانواده و ناموس پشتیبانی می کرد و غم را می زدود.

و يَطْعِمُ الْمَسْكِينِ وَيَنْشُرُ السَّلَامَ وَيُعِينُ الضَّعِيفَ عَلَى شِدَائِدِ الدَّهْرِ.

و به فقیر خوراک می داد و آشتی را می گستراند و ناتوان را بر سختی های روزگار یاری می کرد.

و مَا آتَاهُ أَحَدٌ فِي حَاجَتِهِ فَرَدَهُ خَائِبًا أَنَا ابْنُهُ حَاتِمِ الطَّائِي.

هیچ کس از نزد او ناامید بر گردانده نشد من دختر حاتم طایی هستم.

فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) هَذِهِ صِفَاتُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا أَتْرِكُوهَا.

پس گفت پیامبر این ویژگی های مومنان است. او را رها کنید.

فَإِنْ أَبَاهَا كَانَ يُحِبُّ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ وَاللَّهُ يُحِبُّ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ.

پس به درستی که پدرش بزرگواری اخلاق را دوست می داشت و خدا بزرگواران را دوست دارد.

ثُمَّ قَالَ: (ارْحَمُوا عَزِيزاً ذَلَّ وَ غَنِيًّا افْتَقَرَ وَ عَالِماً ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ).

سپس فرمود: بر ارجمندی که خوار شده و دارایی که ندار شده و دانایی که میان نادانها تباه شده است دلسوزی کنید.

فَلَمَّا أَطْلَقَهَا النَّبِيُّ رَجَعَتْ إِلَّا أَخِيهَا «عَدَى» وَ هُوَ رَيْسُ قَوْمِهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ فَقَالَتْ لَهُ يَا أَخِي إِنِّي رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعَجِّبُنِي.

پس هنگامی که پیامبر او را رها کرد به سوی برادرش بازگشت که پس از وفات پدرش رئیس قومش بود پس به او گفت ای برادرم به درستی که من ویژگی‌هایی از این مرد دیدم که مرا به شگفتی وامی‌داشت.

رَأَيْتُهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ وَ يُفْكَ الْأَسِيرَ وَ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ يَعْرِفُ قَدَرَ الْكَبِيرِ.

او را دیدم در حالی که فقیر را دوست می‌داشت و اسیر را رها می‌کرد و به کوچک دلسوزی می‌کرد و قدر بزرگ را می‌دانست.

وَ مَا رَأَيْتُ أَحْوَدَ وَ لَا أَكْرَمَ مِنْهُ فَإِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِسَابِقِ فَضْلُهُ.

و بخشنده‌تر و بزرگوarter از او ندیدم پس اگر پیامبر باشد پیش‌تاز دارای فضیلت است.

وَ إِذَا يَكُونُ مَلِكًا فَلَا تَزَالُ فِي عِزِّمُلكه فَجَاءَ عَدَى إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَأَسْلَمَ وَ أَسْلَمَتْ سَفَانَةُ.

و اگر پادشاهی باشد پس پیوسته در بزرگی پادشاهی‌اش می‌باشی پس عدی به سوی رسول خدا آمد و مسلمان شد و سفانه نیز مسلمان شد.

وَ أَسْلَمَتْ قَبِيلَهُ طَىَ كُلِّهَا بَعْدَمَا أَمَرَ النَّبِيُّ (ص) بِإِطْلَاقِ أَسْرَائِهِمْ.

و قبیله طى، همه‌شان مسلمان شدند پس از این که پیامبر به رها کردن اسیرانشان دستور داد.

الدَّفْتَرُ الْخَامِسُ مِنَ الْمَثْوَى الْمَعْنَوَى لِمَوْلَانَا جَلالِ الدِّينِ الرَّومِیِّ.

دفتر پنجم از مثنوی معنوی برای مولانا جلال‌الدین الرومی

گفت پیغمبر که رحم آرید بر جان من کان غَنِيًّا فَافْتَقِرَ.

پیامبر فرمود دلسوزی کنید بر جان کسی که دارا بود و فقیر شد.

وَ الَّذِی كَانَ عَزِيزًا فَاحْتَقِرًا وَ صَفِيًّا عَالِمًا بَيْنَ الْمُضَرِّ.

و کسی که عزیز بود و خوار شد یا برگزیده دانایی که میان مُضر است.

گفت پیغمبر با این سه گروه رحم آرید از زسنگید و زکوه

آن که او بعد از رئیسی خوار شد و آن توانگر هم که بی دینار شد

وان سوم آن عالمی کاندر جهان مبتلا گردد میان ابلهان

قواعد

ترجمه فعل مضارع

گاهی حروف لم - لا بر سر فعلهای مضارع می آیند و معنای آن را تغییر می دهند. حرف لم بر سر فعل مضارع بیاید فعل

مضارع به صورت ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی ترجمه می شود.

مانند: یَسْمَعُ: می شنود ← لَمْ یَسْمَعْ (ماضی ساده منفی) نشنیده است. (ماضی نقلی منفی)

تَذْهَبُونَ: می روید ← لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید / نرفته اید.

تبدیل کننده ها به مضارع التزامی

آن = این که

لِ = برای در اصل لان بوده است یعنی برای این که و علت را می رساند. به همین جهت لام «تعلیل» نام دارد ← حتی = تا

کی - لَکِی = برای این که حروف یاد شده تغییر معنای مضارع اخباری به التزامی «ب» در اول مضارع به جای «می» و نفی

آینده در ظاهر آخر فصل نیز تغییراتی ایجاد می کند که چنین است.

۱- هر جا ضمه باشد به فتحه ـَ تبدیل می شود.

و نونها را از آخر فعل های مثنی و جمع حذف می شود به جز جمع مؤنث.

حروف تغییر دهنده فعل مضارع

۱- لم

۲- لـ

۳- لا

لم ← نه در اول فعل مضارع ساده موجب ترجمه به صورت ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی می شود.

مثل: لم یسمع = نشنیده = نشنیده است.

لام امر ← باید به همان معنای مضارع التزامی ولی تأکیدی مثبت در فارسی می باشد. لیسَمع = باید بشنود.

حروف یاد شده (لم - لـ - لا) علاوه بر تغییر معنای مضارع اخباری در ظاهر آخر فعل مضارع نیز تغییر ایجاد می کند.

هر جا ضمه باشد به ساکن تبدیل می شود و نونها از آخر فعل مثنی و جمع حذف می شود.

چند نکته:

در این بخش با دو حرف «لام - لـ» آشنا شدیم که هر دو به اول فعل مضارع آمد. یکی به معنای «تا» و تا این که بود که از آن به «لام بیان علت» یاد کردیم و معمولاً در وسط جمله ها قرار می گیرد و نوع دیگر «لام امر» بود به معنای باید و در اول جمله هاست و در حالت چسبیدن هر دو به اول فعل مضارع، ترجمه ی فعل را با آوردن «ب» به جای «می» انجام دادیم.

مانند: قُلْتُ لِيَعْلَمَ = گفتم تا بداند / لِيَعْلَمَ = باید بداند.

اگر قبل از این فعلها که در اولشان لـ دارند «و» یا «ف» بیاید آن گاه کسره ی «لـ» از بین می رود و دیگر حرکتی ندارد و ساکن

تلفظ می شود. **مانند:** وَلِيَعْلَمَ / فَلِيَعْلَمَ

انواع لـ

۱- بر سر اسم یا ضمیر می آید ← لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ (از آن)

۲- بر سر اسم می آید ← اِشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةَ لِلسَّفَرِ (برای)

۳- بر سر اسم به معنای داشتن ← لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ (داشتن)

۴- بر سر فعل می آید ← لَتَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (باید)

۵- بر سر فعل می آید ← ذَهَبَ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ (تا)

نکته:

حرف لـ هرگاه به اول ضمیرها بیاید حرکت اش به فتحه تبدیل می شود. مگر این که به ضمیر ی بچسبد و تغییری نکند.

التمارين الدرس السادس

تمرین الاول : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ الْكَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ.

۱- الذي لارجاء له النجاح في هدفه الخائب (نا امید)

۲- اصبح فقيراً و لاثره له. اِفْتَقَرَ (فقر شد)

۳- الذي حزنه كثيراً. المكروب (اندوهگین)

۴- الأسرة و الأقرباء. الاهل (خویشان)

۵- أعطاه الطعام. اطعم (خوراک داد)

التمرین الثاني: اكمل ترجمه الايات ثم عين المطلوب منك

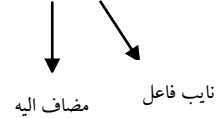
۱- لِيُنْفِقْ ذَوْسَعَةً مِنْ سَعْيِهِ. ← توانمند از توانمندی خودش باید انفاق کند.

مجزور به حرف جر

۲- ولا يحزنك قولهم ان العزة لله جميعاً. ← و سخشان تو را نباید اندوهگین کند زیرا ارجمندی از خداست.

فاعل

۳- ولا تَأْكُلُوا مما لم يُذكَر اسمُ الله عليه. ← و از آنچه نام خدا بر آن یاد نشد نخورید.



۴- أفلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها.

فعل مضارع جمع مذكر غائب

آیا مگر به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه آن را ساخته‌ایم.

۵- ألم يعلموا ان الله هو يقبل التوبة عن عباده.

جار و مجرور

آیا ندانستید که تنها خداست که توبه بندگانش را می‌پذیرد.

۶- والَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ و لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ اُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ اُجْرَهُمْ. ← و کسانی که به خدا و

مفعول مفعول

فرستادگانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان جدایی نینداختند مزدهایشان را به آنها خواهد داد.

التمرین الثالث : اقرء الايات التالیه ثم انتخب الترجمة الصحیحة

۱- على الله فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

الف. مومنان تنها باید بر خدا توکل کنند. ب. مومنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- و قالت الاعراب ائنا قل لئم تومنونوا و لكن قولوا اسلمنا.

الف. ایمان می‌آوریم بگو ایمان نمی‌آورید بلکه بگویید در سلامت می‌مانیم.

ب. ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید اسلام آوردیم.

۳- اولم يعلموا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء.

الف. آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هر کس بخواهد می‌گستراند.

ب. آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هر کس بخواهد فراوان می‌کند.

۴- قُلْ هُوَ اللهُ احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد.

الف. نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.

ب. نزاده و زائیده نشده و کسی برایش همتا نبوده.

۵- قَلِّعِدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي اطعمهم من جوع و امنهم من خوف.

الف. می‌پرستند زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس در امان نهاد.

ب. باید پرستند همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم ایمنشان کرد.

التمرین الرابع: ترجم الجمل حسب قواعد درس ثم عين صيغه الافعال فيها.

۱- لا ترجعُ الى بيتك ← به خانه‌ات باز نگرد. مفرد مذکر مخاطب

۲- لم يرجعُ صديقي ← دوستم باز نگشت. مفرد مذکر غائب

۳- أخواتي لم يرجعن ← خواهرانم باز نگشتند. جمع مؤنث غائب

۴- لا يرجعُ صديقي ← دوستم باز نگرده. (نباید باز گردد) مفرد مذکر غائب

۵- أختي لا ترجعُ ← خواهرم باز نمی‌گردد. مفرد مؤنث غائب

التمرین الخامس: انتخب الجواب الصحيح

۱- أنا في السنين الماضيين ← لن أسافر لم أسافر لکی أسافر

۲- عليك بالمحاولة و في حياتك ← أن تياس کی تياس لا تياس

۳- أريد الى سوق الحقائق ← أن أذهب لم اذهب ان اذهب

۴- هو الى الملعب غداً ← لن يرجع ما رجع لم يرجع

۵- من ينجح في اعماله ← لا يجتهد لا يجتهد يجتهد

التمرین السادس: عين البيت الفارسی الذی یرتبط بالحديث فی المعنی

- ۱- المؤمن قليل الكلام كثير العمل: مومن کم حرف و پرکار است.
- ۲- العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر: دانشمند بی عمل مانند درخت بدون میوه است.
- ۳- أمرنی ربی بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ: پروردگارم مرا به مدارا کردن با مردم دستور داد. همان گونه که مرا به انجام واجبات دینی دستور داد.
- ۴- عداوة العاقل خير من الصداقة الجاهل: دشمن عاقل بهتر از دوست نادان است.
- ۵- الدهر يومان يوم لك و يوم عليك: روزگار دو روز است. روزی به سودت و روزی به زیانت.
- ۶- خير الامور اوسطها: بهترین کارها میانه روی ترین آنها است.

پاسخها: ۱- الف ۲- ب ۳- هـ ۴- و ۵- د ۶- ج

التمرین السابع: اکتب مفرد هذه الكلمات

أقرباء = قریب	أجور = أجر	فرائض = فریضة	محاولات = محاوله
أصفياء = صفی	أعراض = عرض	أنفس = نفس	أسرى = اسیر
أنظار = نظر	أصحاب = صاحب	مكارم = مكرمة	جُهالة = جاهل
أخلاق = خُلق	تلميذات = تلميذه	صفحات = صفحه	خصال = خصله

التمرین الثامن: ضع علامة بين المرادفين و بين المضادين

أهل = أسرة	سلام ≠ حَرْب	يُعين = يُنصر	صدق ≠ كذب
مكروب = محزون	ضاع ≠ وَجَد	بُعِثَ = أُرْسِلَ	ضياء ≠ ظلام
حُزن ≠ فرح	بنينا = صنعاً	طعام = غذاء	أتى = أَخَذَ

نمونه سؤالات درس ۶

۱- ترجم العبارات التالية

الف) بَعَثَ اللهُ النَّبِيَّ

ب) اِرْحَمُوا عَزِيْزِدْ وَاغْنِيَا اِفْتَقَرُوْا عَالَمًا صَاعٌ بَيْنَ جِهَانِ.

ج) كَانَ اَبِيُّ يُفَكُّ الْاَسِيْرُوْا يَحْفِظُ الْجَارِ.

د) عَلِيٌّ اللهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ

هـ) كَانَ حَاتِمٌ لَا يَرِدُ مِنْ اَتَاهُ فِي حَاجَةٍ خَائِبًا.

۲- انتخب الترجمة الصحيحة

الف) وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنْ الْعِزَّةُ لِلَّهِ جَمِيْعًا

۱- سخنشان تو را نباید ناراحت کند زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

۲- از سخن شان ناراحت نشود زیرا ارجمندی همه از آن خداوند است.

۳- ترجم الافعال التالية

ب) لَا تَذْهَبْ مَعَهُمْ

الف) اَنَا لَمْ اُسَافِرْ

۴- املاء الفراغات المناسب

الف) انت فى حياتك لان الله معنا

لا تحزن ان تحزن لم تحزن

ب) هذه الامتحانات تُساعدكم هذا

لتعملوا ان تعلموا اعلموا

۵- ثم عين المطلوب منك

الف) ليحق ذوسعة من سعية (مجرور به حرف جر)

ب) افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بيناها (فعل مضارع - جمع مذكر غائب)

۶- انتخاب جواب الصحيح

الف) انا فى الستين الماضين

لن أسافر لم أسافر لى أسافر

ب) من ينجح فى اعماله

لا يجتهد لا يجتهد يجتهد

«لَا تَقْنَطُوا»

اهداف آموزشی:

- ۱- آموزش لغات درس همراه با معانی متن درس
- ۲- آشنایی دانش آموزان با افعال ناقصه و عملکرد آنها در جمله.
- ۳- آشنا شدن دانش آموزان با معانی افعال ناقصه و کاربرد آنها در جمله.

روش پیشنهادی تدریس:

- ۱- آموزش لغات به صورت گروهی و تکرار لغات (به مدت ۱۵ دقیقه) انجام گیرد.
- ۲- متن درس برای دانش آموزان قرائت و لغات جدید در متن مشخص شود.
- ۳- ترجمه درس بصورت گروهی توسط دانش آموزان در کلاس انجام شود.

«لَا تَقْنَطُوا»

نا امید نشوید.

«مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَّ وَجَدَ» رسول الله (ص)

«هر کس چیزی را بخواهد و بکوشد، می یابد.»

– لَا مُشْكِلَةَ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَيَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ وَقُدْرَاتِهِ.

هیچ مشکلی نیست که قادر به شکست شخصی باشد که به خدا توکل می کند و به خودش و توانمندی هایش تکیه می کند.

كثِيرٌ مِنَ النَّاجِحِينَ أَثَارُوا إِعْجَابَ الْآخِرِينَ، مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعَوِّقِينَ أَوْ فُقَرَاءَ أَوْ كَانُوا يُوَاجِهُونَ مَشَاكِلَ كَثِيرَةً

فِي حَيَاتِهِمْ، وَمِنْ هَؤُلَاءِ:

بسیاری از افراد موفق موجب شگفتی دیگران شده اند، با وجود اینکه معلول، یا فقیر بوده اند، یا در زندگیشان با مشکلات

بسیار روبه رو بوده اند، از آن جمله:

الْأُسْتَاذُ مَهْدِيُّ آذَرَ يَزْدِي وَهُوَ أَشْهُرُ كَاتِبِ لِقِصَصِ الْأَطْفَالِ، فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا،

ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ.

استاد مهدی آذر یزدی نامدارترین نویسنده داستان های کودکان، در سن بیست سالگی کارگری ساده بود، سپس کتابفروش

شد، و در طول زندگی اش به مدرسه نرفته بود.

هَيْلِينَ كِيلِرَ عِنْدَ مَا بَلَغَتْ مِنَ الْعُمْرِ شَيْعَةَ عَشْرٍ شَهْرًا، أُصِيبَتْ بِحُمَّى صَبَّرَتْهَا طِفْلَةٌ عَمِيَاءَ، صَمَاءَ، بِكَمَاءَ.

هیلن کیر هنگامی که به نوزده ماهگی رسید، دچار تبی شد که او را کودکی نابینا، ناشنوا، و لال گردانید.

فَأَرْسَلَهَا وَالِدُهَا إِلَى مَوْسَسَةِ اجْتِمَاعِيَّةٍ لِلْمُعَوِّقِينَ.

پدر و مادرش او را به مؤسسه اجتماعی معلولان فرستادند.

إِسْتَطَاعَتْ مُعَلِّمَةً «هَيْلِينَ» أَنْ تُعَلِّمَهَا حُرُوفَ الْهَجَاءِ التَّلَكُّمَ عَنِ طَرِيقِ اللَّمْسِ وَالشَّمِّ.

معلم هلن توانست که از راه لمس و بویایی حروف الفبا و سخن گفتن به او یاد بدهد.

وَلَمَّا بَلَغَتْ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمْرِهَا، أَصْبَحَتْ مَعْرُوفَةً فِي الْعَالَمِ، وَحَصَلَتْ عَلَى عَدَدٍ مِنَ الشَّهَادَاتِ الْجَامِعِيَّةِ.

و وقتی که به بیست سالگی رسید، در جهان سرشناس شد، و تعدادی مدارک دانشگاهی به دست آورد.

وَ أُخِيرًا إِسْتَطَاعَتْ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى الْبُلْدَانِ الْمُمْتَلِفَةِ. وَأَلْقَتْ عِدَّةَ مُحَاضِرَاتٍ وَأَصْبَحَتْ أُعْجُوبَةً عَصْرِهَا.

و سرانجام توانست که به کشورهای گوناگون سفر کند، و چند سخنرانی ایراد کرد و مایه شگفتی روزگار شد.

أَلْقَتْ «هَيْلِينَ» ثَمَانِيَةَ عَشْرَ كِتَابًا تُرْجِمَتْ إِلَى خَمْسِينَ لُغَةً.

هلن هجده کتاب تألیف کرد که به پنجاه زبان ترجمه شدند.

مَهْتَابُ نُبُوءِ بِنْتٍ وُلِدَتْ بِدُونِ يَدَيْنِ، وَرَعِمَ هَذَا فَهِيَ تَكْتُبُ وَ تَرَسُمُ وَ تَشْبِحُ، وَحَصَلَتْ عَلَى الْحِزَامِ الْأَسْوَدِ

فِي التَّكْوَانِدُووَالْفَتْ كِتَابًا.

مهتاب نبوی دختری بدون دست است، و با وجود این می نویسد، نقاشی می کشد و شنا می کند، و کمر بند مشکی در

تکواندو گرفت و کتابی را تألیف کرد.

كْرِيسْتَى بِرَاوِنَ وَوَلِدَتْ فِي أُسْرَةٍ فَقِيرَةٍ وَكَانَ مُصَابًا بِالشَّلَلِ الدَّمَاغِيِّ، وَلَمْ يَكُنْ قَادِرًا عَلَى السَّيْرِ وَالْكَلَامِ. فَسَاعَدَتْهُ

أُمُّهُ.

کریستی براون در خانواده ای فقیر به دنیا آمد، و دچار فلج مغزی بود، و قادر به حرکت و سخن گفتن نبود. بنابراین مادرش

او را کمک کرد.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَخَذَ كْرِيسْتَى قِطْعَةً طَبَاشِيرَ بِقَدَمِهِ الْيُسْرَى وَهِيَ الْعَضْوُ الْوَحِيدُ الْمَتَّحَرِكُ مِنْ بَيْنِ

أَطْرَافِهِ الْأَرْبَعَةِ وَ رَسَمَ شَيْئًا.

در روزی از روزها کریستی با پای چپش که تنها اندام تحرک از بین دست و پایش بود تگه گچی را برداشت و چیزی را نقاشی کرد.

وَمِنْ هُنَا اِبْتِدَاتُ حَيَاتِهِ الْجَدِيدَةِ. اجْتَهَدَ كَرِيستَى كَثِيْرًا. وَ اَصْبَحَ رَسَاْمًا وِشَاعِرًا وَاَلْفَ كِتَابًا بِاسْمِ «قَدَمِيْ
الْيُسْرَى».

و از همین جا زندگی نوینش آغاز شد. کریستی بسیار تلاش کرد، و نقاش و شاعر شد و کتابی به نام پای چپم تألیف کرد.

فَاَصْبَحَ الْكِتَابُ فِي مَا بَعْدُ فِلْمًا حَصَلَ عَلَيَّ جَائِزَةُ اُوسْكَار.

این کتاب بعدها فیلمی شد که موفق به دریافت جایزه اوسکار شد.

«إِعْلَمُوا»

معانی الأفعال الناقصة

- فعل های پر کاربرد «كَانَ، صارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

- كَانَ چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»، **مثال:** كَانَ البابُ مَغْلَقًا. در بسته بود.

۲- به معنای «است»، **مثال:** (إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا) بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»، **مثال:** كانوا يَسْمَعُونَ: می شنیدند.

۴- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»، **مثال:** كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ و «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این

معناست: «دانش آموز شنیده بود».

۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است، **مثال:** كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةٍ. انگشتر نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ

خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم. مضارع كَان «يَكُونُ» به معنای «می باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

- صارَ وَأَصْبَحَ به معنای «شد» هستند. مضارع صارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است، **مثال:** (أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً) از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می شود.

نَظَّفَ الطَّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش آموزان مدرسه شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

- لَيْسَ یعنی «نیست»، **مثال:** (يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَكْتُمُونَ)

با دهان هایشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می کنند دانایتر است.

- وقتی این افعال بر سر جمله اسمیه (که از مبتدا و خبر «ظاهر» تشکیل می‌شود) می‌آیند خبر را منصوب می‌کنند، مثال:

الْبِسْتَانُ جَمِيلٌ. صَارَ الْبِسْتَانُ جَمِيلاً.

مبتدا مرفوع	خبر مرفوع	فعل ناقصه	اسم فعل ناقصه	خبر فعل ناقصه
			مرفوع	منصوب

نکته مهم: گاهی اوقات بعد از افعال ناقصه جار و مجرور می‌آید که به آن خبر مقدم فعل ناقصه می‌گویند و اسم بعد از آن

را اسم مؤخر فعل ناقصه می‌گویند.

مانند: لَيْسَ الْفَرَّارِ مَجَالٌ.

فعل ناقصه	خبر مقدم	اسم مؤخر
	فعل ناقصه	فعل ناقصه
	منصوب	مرفوع

تمارين الدرس السابع

تمرین الاول

عين الجملة الصحيحة وغير الصحيحة حسب الحقيقة.

- ١- الطباشير مادة بيضاء أو ملونة يكتب بها على السبورة ومثلها.
- ٢- آلابكم من لا يستطيع أن يتكلم وموتنة بكما.
- ٣- الأصم من لا يستطيع أن يرى وموتنة «صماء».
- ٤- ارتفاع حرارة الجسم من علائم المرض.
- ٥- شم القط أقوى من شم الكلب.

التمرین الثاني

ترجم الجمل التالية

١. كُنتُ أَلَكْتُبُ أَجَابَاتِي ← پاسخ هایم را می نوشتم.
٢. مَنْ يَكْتُبُ يَنْجُحُ ← هر کس بنویسد پیروز می شود.
٣. لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ ← روی درخت ننویس.
٤. كَانُوا يَكْتُبُ فِيهِ شَيْئاً ← نامه هایی می نوشتند.
٥. لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً ← جمله ای را نخواهم نوشت.
٦. يُكْتُبُ مَثَلٌ عَلَى الْجِدَارِ ← مثالی روی دیوار نوشته می شود.
٧. قَدْ كُتِبَ عَلَى اللُّوحِ ← روی تابلو نوشته شده است.
٨. أَكْتُبُ بَخْطٍ وَاضِحٍ ← با خطی واضح بنویس.

۹. سَأَكْتُبُ تَك الإِجَابَةُ ← برایت پاسخ را خواهم نوشت.

۱۰. كُنْتُ كَاتِبًا دَرَسَكَ ← درست را نوشته بودی.

۱۱. أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ ← کتابی را گرفتم که آن را دیده بودم.

التمرین الثالث

تَرْجُمِ الآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ

۱- وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا تَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. (جار و مجرور)

و از رحمت خداوند ناامید نشوید و به درستی که به جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی شوند.

۲- لَيْسَ الْحَلِيمُ مِنْ عَجْزِ فَهْجَمٍ وَإِذَا قَدَرْتُمْ، إِنَّمَا الْحَلِيمُ مَنْ إِذَا قَدَرَ عَفَا وَ كَانَ الْحَلِيمُ غَالِبًا عَلَى كُلِّ أَمْرِهِ. (امام علی (ع))

← (اسم الفعل الناقص و خبره)

«بردبار کسی نیست که ناتوان شد پس حمله کرد و هرگاه بتواند انتقام می گیرد بردبار فقط کسی است که هرگاه بتواند می -

بخشد و بردباری بر تمام کارش غالب است.

الْحَلِيمُ ← اسم ليسَ

كَانَ الْحَلِيمُ غَالِبًا

اسم كان خير كان

مَنْ ← خبر ليسَ

۳- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.

اسم تفضليل

هر کس بخواهد قوی ترين مردم باشد پس بايد بر خدا توکل کند.

۴- أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ.

خبر

مبتدا

بزرگترین بلا قطع شدن امید است.

۵- مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ.

ماضی مفرد مذکر	ماضی
غایب	مفرد مونث غایب

هر کس بر خدا توکل کند سختی‌ها برایش خوار می‌شود.

التمرین الرابع ← ترجم الجمل التالية

۱- أريدُ الكُتُبَ تَرْجُمةَ النَّصِّ مُسْتَعِينًا بِالمُعْجَمِ.

می‌خواهم ترجمه متن را با کمک لغت نامه بنویسم.

۲- نَصَحَ الأُسْتَاذُ طُلَّابَةَ لِیَکْتُبُوا بِحَظِّ وَاضِحِ.

استاد دانشجویانش را نصیحت کرد که با خطی واضح بنویسند.

۳- لَنْ أَكْتُبُ شَيْئاً عَلَى الأَثَارِ التَّارِخِيَةِ.

چیزی را که بر آثار تاریخی نخواهم نوشت.

۴- سَأَكْتُبُ ذَكَرِيَّاتِ السَّفَرَةِ العِلْمِيَةِ.

خاطرات گردش علمی را خواهم نوشت.

۵- كَانَ زُمْلَائِي يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ.

همکارانم (هم شاگردی‌هایم) نامه‌هایی می‌نوشتند.

التمرین الخامس

عين اسم الافعال الناقصة و خبرها.

١- ألا ليس الظلم باقياً.

اسم خبر

٢- يُصبحُ الجوّحاراً غداً.

اسم خبر

٣- كان الجنودُ واقفينَ لِلْحُرَّاسَةِ.

اسم خبر

٤- صارَ الطالبُ عالماً بَعْدَ تَخْرُجِهِ مِنَ الْجَامِعَةِ.

اسم خبر

التمرین السادس

عين الترجمة الصحيحة وَعَيْنَ الْمَطْلُوبِ مِنْهُ.

١- قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ إِنِ اسْأَلُكَ مَا لَيْسَ لِمَا بِهِ عِلْمٌ.

اسم نكرة ← علم فعل ناقص ← ليس

الف) پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم.

ب) پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

٢- وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.

اسم نكرة ← شیء علیما فعل ناقص ← كان

الف) و از خدا بخشش او را بخواهید زیرا خدا به هر چیزی داناست.

ب) و از فضل خدا سؤال کردند قطعاً خدا به همه چیز آگاه بود.

۳- یومَ یَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدِمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرِ يَا لَيْتِي كُنْتُ تُرَابًا.

فعل مضارع ← ينظر - يقول فعل ناقص ← كنت

الف) آدمی آن چه را که با دستانش پیش فرستاده است می نگردد و کافر می گوید کاش من خاک بودم.

ب) مرد آن چه را که با دستش تقدیم کرده است می نگردد و کافر می گوید من همانند خاک شدم.

۴- كُنْتُ سَاكِنًا وَمَا قُلْتُ كَلِمَةً لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

الف) ساکت شدم و کلمه ای نمی گویم برای این که چیزی از موضوع نمی دانم.

ب) ساکت بودم و کلمه ای نگفتم زیرا چیزی درباره موضوع نمی دانستم.

مفعول ← کلمه - شيئاً الجار و مجرور ← عن الموضوع

۵- كَانَ الشَّبَابُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعْبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

مجرور ← الكرة - الشاطئ المضاف اليه ← اللعب

الف) جوانان در کنار ساحل با توپ بازی می کردند و پس از بازی با نشاط شدند.

ب) مردان در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پرنشاط خوشحال هستند.

التمرين السابع

عين الكلمة المناسبة للتوضيح

١- يَسْتَعْمِلُهُ رُكَّابُ الطَّائِرَاتِ وَ السَّيَّارَاتِ لِسَلَامَتِهِمْ.

جزام الامان المرمى الجوز

٢- مَنْ يَرَسُمُ بِالْقَلَمِ أَشْكَالاً أَوْ صُوراً أَوْ خُطُوطاً.

الرَّسْمُ الرَّسَامُ الرَّسُومُ

٣- حَالَةٌ مَرَضِيَّةٌ تَرْتَفِعُ فِيهَا حَرَارَةُ الْجِسْمِ.

الْحَرْبُ الْخَطَةُ الْحُمَى

٤- مَنْ يَشْتَغَلُ فِي مِهْنَةٍ أَوْ صِنَاعَةٍ.

الْعَامِلُ الْمَعْمَلُ الْعَمِيلُ

٥- الْيَدَانِ وَ الْقَدَمَانِ وَ الرَّأْسِ.

الْأَعَاجِيبُ الْأَطْرَافُ الْجَذَعُ

نموه سؤالات درس ٧

١- تَرَجِّمُ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ

(الف) لَا تَفْنِطُوا لِأَنَّ مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ وَجَدَ.

(ب) مَهْدَى آذَرِ يَزْدَى كَانَ مِنْ أَشْهَرِ كِتَابِ لِقِصَصِ الْأَطْفَالِ.

(ج) اسْتَطَاعَتْ كَيْلِرَانِ تَتَعَلَّمُ حُرُوفَ الْهَجَاءِ وَ التَّكَلَّمَ عَنْ طَرِيقِ اللَّمَسِ وَ الشَّمِّ.

(د) كَانَ الْأَسْتَاذُ يَنْصَحُ طُلَابَهُ لِيَكْتُبُوا بِخَطٍ وَاضِحٍ عَلَى السَّبُورَةِ.

هـ- أخذت قطعة طباشير بقدمي السرى ولم اكن قادراً على الكتابة.

۲- ترجم الجمل التالية

الف) لم أقل كلمة
ب) كانوا مسرورين

۳- أكتب من طلب منك.

الف) ساكتب ذكريات السفر العلمية (فعل مضارع و صيغه)

ب) يُعرف المجرمون بسدماهم (فعل مجهول و جار و مجرور)

۴- اكمل الفراغات في ترجمه

الف) قال رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ إِذْ أَسْأَلُكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ.

گفت پروردگارا من به تو که از تو چیزی که به آن دانشی ندارم.

۵- عين اسم الافعال الناقصه و خبرها.

الف) أصبح الجو بارداً أمس
ب) ليس البستان جميلاً

سؤال	نمونه سؤال امتحانی نوبت اول یازدهم انسانی	بارم
۱	ترجم اللکمتین اللتین تحتہما خط: الف) یُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ. ب) یَسْتَرِيحُ عَلَی الشَّاطِئِ	۰/۵
۲	اكتب في الفراغ كلمتين مترادفين والمتضادتين: (أنكر - العشيّة - يعلم - أقبح - العداة - بين) الف) ≠ ب) =	۰/۵
۳	عين الكلمة العربية في المعنى: الف) الرأس <input type="radio"/> الدليل <input type="radio"/> الفم <input type="radio"/> ب) الهجر <input type="radio"/> البر <input type="radio"/> الإحسان <input type="radio"/> القفزة <input type="radio"/> الحسنة <input type="radio"/>	۰/۵
۴	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: الف) الدابة = ب) أكابر =	۰/۵
۵	ترجم العبارات التالية إلى الفارسية: الف) الحكمة لاتعمر في قلب المرح الجبار. ب) اقصد في مشيك واغضض من صوتك. ج) إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق. د) إن شكوت إلى الطير نحن في الوكنات. هـ) إن شمت رفته سنجد رائحة الود. و) الصديق ناهياً عن الظلم ومعيناً على البر. ز) يحدث طينياً بسبب سرعة حركة جناحيه. ح) الطائر الزقراق يدخل في فم التمساح. ط) لانستطيع أن نرى لغة بدون كلمات دخيلة. ي) المسبك و الدباج ما كانت عند العرب.	۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: الف. دَع شاتمک مهانا تُرض الرّحمان. ۱- دشنامگوی خود را چون رها کنی خدای مهربان را خشنود سازی <input type="radio"/> ۲- دشنامگویی را رها کن تا خدای بخشاینده را خشنود کنی. <input type="radio"/> ب. یعدّ الحوت الأزرق أكبر الكائنات الحيّة. ۱- نهنگ آبی موجود زندهی بزرگی در جهان به شمار می‌رود. <input type="radio"/> ۲- نهنگ آبی از بزرگترین موجودات زنده جهان به شمار می‌رود. <input type="radio"/>	۰/۵
۷	كمل الفراغات في الترجمة الفارسية: الف) لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْخِطْلَةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفُزُ. پوشش خاصی مانند دارد و آن را هنگامی که، باز می‌کند. ب) لا أسخّط الشيطانَ بِمَثَلِ الصّمتِ. چیزی همانند اهریمن را	۱
۸	ترجم الأفعال سنتبادلون الضائع لا تُضيرُ دماغَ نَقارِ الخشبِ لَمْ تُصعِّرْ خَدَكَ أحسِنوا إلى الفقراء كانت تزدادُ هذه المفردات تعادلا الفريقان	۱/۵

٩	عَيْنُ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاقِ: (الف) هُمَا بَجْدٌ وَ نِشَاطٌ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ. (سَيِدُ رُسَانَ - كَانَا تَدْرُسَانَ - يَدْرُسَانَ) (ب) مَنْ عَلَى الصَّلَاةِ سَوْفَ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ. (يُحَافِظُ - يُحَافِظُوا - يُحَافِظُنْ) (ج) بُعِثَ لِيُتِمَّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (النَّبِيُّ - النَّبِيُّ - النَّبِيُّ) (د) لَا الْأَذْكَيَاءَ الْمُجْرَبَ. (يُجْرَبُ - يُجْرَبُ - يُجْرَبُوا)
١٠	عَيْنُ إِسْمِ الْفَاعِلِ وَ إِسْمِ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمِ الْمَبَالِغَةِ وَ إِسْمِ مَكَانٍ أَعْجَبَنِي حَارِسُ الْمَرْمَى / إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ / كَانَ مِنَ الْمُعْجَبِينَ اسم المفعول = اسم المبالغة = اسم المكان =
١١	عَيْنُ إِسْمِ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ تَرْجِمُ إِسْمَ التَّفْضِيلِ «رَأَى أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ / إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا تَحْصُدُ سُورًا / فَرِيقُ الصَّدَاقَةِ أَقْوَى مِنْ رِيقِ السَّعَادَةِ.» إِسْمُ التَّفْضِيلِ: تَرْجُمَةُ: إِسْمُ التَّفْضِيلِ: تَرْجُمَةُ:
١٢	عَيْنُ فِعْلِ الشَّرْطِ وَ جَوَابِ الشَّرْطِ ثُمَّ تَرْجِمُ الْجُمْلَةَ: «مَنْ لَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا؛ فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا» فعل شرط = جواب شرط =
١٣	عَيْنُ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (الف) السَّرْعَةُ لَا تُضَرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ. (ب) هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلُونَ. (ج) قَدْ تُفْتَشُّ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ.
١٤	عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ: (الف) الْكَأْسُ إِنَاءٌ يَشْرَبُ بِهِ الْمَاءُ أَوْ الشَّايَ. (ب) الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ. (ج) الْعَفُورُ هُوَ الْإِنْسَانُ الَّذِي يُحِبُّ الْأَخْرِيْنَ كَثِيرًا. (د) لِلْفَيْرُوزِ أَبَادِي مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ.
١٥	إِجْعَلْ فِي الْفِرَاقِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ (كَلِمَتَانِ زَانِدَتَانِ) (الكَرَامَةُ - الْبَطْنُ - الْجِنَاحُ - الْمُعْرَبَةُ - الْمُعْجَمُ - الْأَقْدَامُ) ١- عَضُوٌّ يَطِيرُ بِهِ الطَّائِرُ ٢- شَرَفٌ وَ عِظْمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ ٣- الْحَيَّةُ تَمْشِي عَلَى ٤- الْكَلِمَاتُ الْفَارْسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتْ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
١٦	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: قَدَاسْتَفَادَ الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُونَ مِنَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَيْبَاتًا مَمزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ سَمَّوْهَا بِالْمَلْمَعِ لِلْكَثِيرِ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلْمَعَاتٌ مِنْهُمْ حَافِظٌ وَ سَعْدِيُّ وَ الْمَوْلَوِيُّ. (الف) مَا هُوَ الْمَلْمَعُ؟ (ب) مَنْ هُمُ الشُّعْرَاءُ الَّذِينَ لَهُمُ الْمَلْمَعَاتُ؟ (ج) اسْتَخْرِجْ مِنَ النَّصِّ مَفْعُولًا وَ صِفَةً:

۱	<p>أجب عن الأسئلة التالية:</p> <p>الف) في أيِّ صَفِّ تَدْرَسِينَ؟</p> <p>ب) رَتِّبِ الْجُمْلَةَ لِتَكُونَ سَوْألاً و جواباً</p> <p>ما قَبْلُ / بسبب / لِماذا / الْحُكْمُ / تَسْأَلُ / الْهَدَفُ / ؟ /</p> <p>سؤال: جواب:</p>	۱۷
	پاسخنامه	
۰/۵	الف) ارزشمندی	ب) استراحت می کند.
۰/۵	۲ أنکر = أقبح	العَشِيَّةُ ≠ الغداء
۰/۵	۳ الف) القفزة	ب) الهجر
۰/۵	۴ الدَّابَّةُ = الدَّوَاب	أكابر = أكبر
۵	<p>الف) حکمت و دانش در قلب انسان خودپسند ستمگر عمر نمی کند. (دوام نمی آورد).</p> <p>ب) در راه رفتنت میانه رو باش و صدایت را پایین بیاور.</p> <p>ج) تنها برای کامل کردن شرافت های انسانی برانگیخته شدم.</p> <p>د) اگر به پرندگان شکایت برم در آشیانه ها شیون می کنند.</p> <p>ه) اگر خاک قبرش را ببویی عشق و محبت را در آن خواهی یافت.</p> <p>و) دوست از ستم باز می دارد و بر نیکی یاری رساننده است.</p> <p>ز) بخاطر حرکت دو بالش طیننی را ایجاد می کند.</p> <p>ح) مرغ باران در دهان تمساح وارد می شود.</p> <p>ط) نمی توانیم زبانی بدون کلمه های وارد شده بینیم.</p> <p>ی) مشک و ابریشم نزد عرب ها نبود.</p>	۵
۰/۵	۶ الف) ۲	ب) ۲
۱	الف) چتر - می پرد	ب) خاموشی - خشمگین نمی کند.
۱/۵	<p>۸ سَتَبَادِلُونَ = عوض خواهید کرد.</p> <p>لَمْ تُصَعِّرْ = برنگرداندی</p> <p>كَانَتْ تَزْدَادُ = زیاد می شد</p> <p>لَا تُضْرُ = آسیب نمی رساند.</p> <p>أَحْسِنُوا = نیکی کنید</p> <p>تَعَادَلَا = برابر شدند</p>	۸
۱	الف) سَيِّدُرْسَانِ	ب) يُحَافِظُوا
۱	اسم فاعل = حارس	اسم مفعول = الْمُعْجَب
۱	اسم المبالغة = تَوَاب	اسم مكان = كَرَمِي
۱	۱۱ إسم التَّفْضِيل = أنكر: زشت ترین /	إسم التَّفْضِيل = أقوى: قوی تر

۱	فعل شرط = لَمْ يَقُلْ جواب شرط: فَاتَّخَذَ	۱۲	ترجمه جمله: هر کس درباره‌ی تو به بدی سخن نگوید پس او را برای خودت به دوستی بگیر
۱/۵	الف) السُّرْعَةُ: مبتدا ب) ما: خبر ج) عَيْنٌ: نایب فاعل د) ماغ = مفعول المُرسلون: فاعل الظُّلمات: مجرور به حرف جرّ	۱۳	
۱	الف) غ (ب) غ (ج) غ (د) ص	۱۴	
۱	۱- الجناح ۲- الكرامة ۳- البطن ۴- المعرّبة	۱۵	
۱/۵	الف) أبياتُ الفارسية التي ممزوجةٌ بالعربية ب) نعم ج) مفعول: أبياتاً	۱۶	
۱	الف) في الصّف الحادي العشر ب) لماذا تسأل الهدف؟ بسبب ما قبل حكم.	۱۷	

ردیف	نمونه سؤال امتحانی نوبت دوم	عربی یازدهم انسانی	بارم
۱	ترجم الكلمات التي تحته خط: الف) تجرى الرياح بما لا تشتهي السفن. ب) ألفت عدة محاضرات. ج) لا تصعر خدك للناس. د) ما كان يعرف السباحة.		۱
۲	أكتب المترادف و المتضاد للكلمتين: أعان = الضياء ≠		۰/۵
۳	أكتب مفرد أو جمع الكلمتين: المكارم: الشلال:		۰/۵
۴	عین الكلمة الغربية فی المعنی: الف) الظنن ب) نقار الخشب ج) الحمير د) الزقراق		۰/۲۵
۵	ترجم الجملات التالية: الف) الطباشير مادة بيضاء أو ملونة يُكتب بها على السبورة و مثلها. ب) يُحكى أنّ رجلاً كان كثير العيوب فنديم على أعماله و حاول أن يصلحها. ج) و الذي كان عزيزاً فأحنقر أو صفيّاً عالماً بين المضر. د) الحكمة تعمر في قلب المتواضع ولا تعمر في قلب المتكبر الجبار. هـ) الزائرة تريد أن تتصل لكن لا يعمل الشحن فذهب عند موظف الإتصالات.		۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: - يوم ينظر المرء ما قدمت يداه. ۱- روزی که آدمی آنچه را با دستانش پیش فرستاده است می نگرد. ۲- روزی که اسنان آنچه را با دستش پیش فرستاده می بیند.		۰/۲۵
۷	صحح الأخطاء في الترجمة: - من توكل على الله ذلت له المصائب. كسى که به خدا توکل می کند، سختی برایش خوار و ذلیل خواهد شد.		۱
۸	ترجم الأفعال التي تحته خط: ۱- ذهبت أمي إلى المتجر لتشترى حذاءً. ۲- لم نستمع إلى كلام الباطل		۰/۵
۹	عین جواب الشرط ثم ترجم هذه العبارة - إن شكوت إلى الطير نحن في الوكنات.		۱
۱۰	عین (اسم الفاعل، اسم المفعول، اسم المبالغة، اسم المكان): - من جرب المجرب حلت به الندامة. - سل المصانع ركبا تهيم في الفلوات - يجب علينا أن نكون صباراً في حلّ المشكل.		۱

١١	١/٥	<p>ترجم العبارات حسب القواعد التي قرأتها: (الف) لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ. (ب) كَانَ لِي حَاسِبٌ أَكْتُبُ التَّمَارِينَ عَلَيْهِ. (ج) أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ.</p>
١٢	١	<p>عين المعارف في الجملة التالية (ذكر نوع معرفه) - كانت مكتبة جندی سابور في خوزستان أكبر مكتبة في العالم.</p>
١٣	٢/٥	<p>أذكر المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: (الف) الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ. (ب) المسبک عطرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعِ الغَزَلَانِ. (ج) إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءَكَ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ.</p>
١٤	١	<p>عين الصحيح و الخط حسب الحقيقة (الف) سَقَانَهُ مَنْ يَضْرِبُ بِهَا المِثْلُ فِي الكَرَمِ (ب) الأَصْمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْمَعَ وَ مُؤَنَّثَةٌ صَمَاءٌ. (ج) كلّ الحروف الفارسية توجد في اللغة العربية أيضاً. (د) المتفرجون الذين يذهبون إلى الملعب لمشاهدة اللعبة.</p>
١٥	١	<p>ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية: «دخيلة، الهمس، يرسب، المكروب، ينحج، الحسام» (الف) الذي حزنه كثيرٌ. (ب) عَن لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا فِي الأَمْتِحَانِ. (ج) لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بَدُونَ كَلِمَاتٍ (د) مِنَ الأَدْوَاتِ الَّتِي يُقَاتَلُ الْجُنُودُ بِهَا فِي الحَرْبِ</p>
١٦	٠/٥	<p>أجب عن الأسئلة التالية. كم عدد أفراد أسرتك؟</p>
١٧	١/٥	<p>رتب الكلمات: بطاقة، وعشرين، نعم، أعطني، هل، ريالاً، من، الشحن، خمسة، فضلك، بطاقة، تريدين، مبلغ.</p>

پاسخنامه	عربی یازدهم	نوبت دوم
۱	الف) نمی‌خواهند ج) با تکبر بر نگردان	ب) سخنرانی‌ها د) شنا کردن
۲	أعان ≠ ساعد، نصر	الضیاء ≠ الظلام
۳	الكرمة - الشلالات	
۴	الحمير	
۵	الف) گچ ماده‌ای سفید یا رنگی است که با آن بر روی تخته سیاه یا مثل آن نوشته می‌شود. ب) حکایت می‌شود که مردی پرگناه بود از کارهایش پشیمان شد و تلاش کرد که آن‌ها را اصلاح کند. ج) پس کسی که عزیز بود پس خوار شد یا برگزیده‌ی دانایی بین قبیله مضر بود. د) پند و حکمت در قلب انسان فروتن ماندگار می‌شود و در قلب خودخواه ستمکار ماندگار نمی‌شود. ه) زائر می‌خواهد که تماس بگیرد ولی شارژ نمی‌شود. پس به سوی کارمند مخابرات می‌رود.	
۶	الف	
۷	هر کس به خدا توکل کند، سختی‌ها برایش خوار و ذلیل می‌شود.	
۸	۱) تا بخرد ۲) گوش ندادیم	
۹	اگر به پرندگان گلایه کنم در لانه‌ها شیون می‌کنند. جواب شرط: نحن	
۱۰	المُجْرِب: اسم مفعول صَبَّار: اسم مبالغه	المَصْنَع: اسم مکان المُشْكِل: اسم فاعل
۱۱	الف) هرگز به نیکی دست نخواهید یافت تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید. ب) رایانه‌ای داشتم که تمرین‌ها را بر آن می‌نوشتم. ج) آیا ندانستند که خداوند رزق و روزی را می‌گستراند.	
۱۲	مکتبة: معرفه به اضافه خوزستان: معرفه به علم	جندی سابور: معرفه به علم العالم: معرفه به ال

۲/۵	الف) الصديق: مبتدا و مرفوع ناهياً: خبر كان و منصوب من الظلم: جار و مجرور ب) عطر: خبر و مرفوع يتخذ: فعل مجهول و نائب فاعل هو مستتر و مرفوع و جمله وصفیه ج) تقرا: فعل شرط و مجزوم به ساكن و فعل و فاعل أنت مستتر و مرفوع انشاء: مفعول و منصوب زميل: فاعل و مرفوع	۱۳
۱	الف) صحيح ب) صحيح ج) خطأ د) صحيح	۱۴
۱	الف) المكروب ب) يرسب ج) دخيلة د) الحسام	۱۵
۰/۵	عدد به دلخواه دانش آموز: عدد أسرتی ثلاثه - أفرار	۱۶
۱/۵	هل تُريدن بطاقة الشمن؟ نعم، من فضلك اعطني بطاقة بمبلغ خمسة وعشرين ريالاً.	۱۷

طرح درس سالانه: عربی یازدهم انسانی

ماهها	هفته‌ها	درس‌ها	موضوعات و عنوان دروس	هدف‌های کلی هر درس	فعالیت‌های دیگر و مواد لازم
مهر	هفته اول	—	—	تعیین سطح - آزمون ورودی	سنجش سطح اطلاعات درسی فراگیران
	هفته دوم	الدرس الاول	مواعظ قیمه	تقویت واژگان / قرائت - ترجمه	روخوانی از لغات / قرائت درس / ترجمه درس
	هفته سوم	الدرس الاول	اعلموا: اسم تفضیل / اسم مکان	شناخت و آموزش معانی حروف جدید و بکارگیری آن‌ها در جمله برای ترجمه	۱- معلم نکات مهم را توضیح می‌دهد. ۲- «اختبر نفسک» توسط دانش آموزان حل می‌شود.
	هفته چهارم	الدرس الاول	التمارين	توانایی حل و پاسخ گویی به تمرین‌ها	۱- تمرین‌ها توسط دانش آموزان حل می‌شود. ۲- پرسش شفاهی از دانش آموزان
آبان	هفته اول	—	آزمون ماهانه صناعة التلمیح فی الادب الفارسی	آشنایی پاسخگویی به سئوالات کتبی از مبحث اسم تفضیل، اسم مکان	۱- آزمون کتبی از درس اول برگزار می‌گردد. ۲- ترجمه درس دوم
	هفته دوم	الدرس الثانی	«اعلموا» اسم فاعل و اسم مفعول اسم مبالغه	شناخت اسم‌ها / اسم فاعل / اسم مفعول / اسم مبالغه	۱- معلم با مقایسه مثال‌های مختلف حال را توضیح می‌دهد. ۲- خودآزمایی توسط دانش آموزان حل می‌شود.
	هفته سوم	الدرس الثانی	التمارين	توانایی حل و پاسخگویی به تمرین‌ها	۱- تمرین‌ها توسط دانش آموزان حل می‌شود. ۲- پرسش شفاهی از دانش آموزان
	هفته چهارم	—	آزمون ماهانه عجایب المخلوقات	آشنایی با سئوالات کتبی: اسم فاعل / اسم مفعول / اسم مبالغه / تقویت ترجمه	۱- آزمون کتبی از درس دوم برگزار می‌گردد. ۲- ترجمه متن درس سوم ارائه می‌گردد.

معلم درس شرط را برای دانش آموزان با مثال‌های مختلف کتاب حل می‌کند و خودآزمایی توسط دانش آموزان حل می‌گردد.	شناخت فعل‌های مضارع و ارکان شرطیه	اعلموا: اسلوب شرط و ادواتش	الدرس الثالث	هفته اول	آذر
۱- تمرین‌ها توسط دانش آموزان حل می‌گردد. ۲- پرسش شفاهی از دانش آموزان انجام می‌گردد.	توانایی حل و پاسخگویی به تمرین‌ها	تمرین‌ها	الدرس الثالث	هفته دوم	
۱- آزمون کتبی از درس سوم برگزار می‌گردد. ۲- ترجمه متن درس چهارم ارائه می‌گردد.	آشنایی با سئوالات کتبی از مبحث شرط تقویت ترجمه	آزمون ماهانه تأثیر اللغة الفارسیة علی اللغة العربیة	—	هفته سوم	
نمونه سؤال از سئوالات ترم اول حل شود.	آشنایی با سئوالات آموخته‌های پیشین براساس بارم بندی ترم	حل نمونه سؤال	—	هفته چهارم	
		امتحانات نوبت اول		هفته اول دوم و سوم	دی
معلم درس معرفه و نکره را برای دانش آموزان با مثال‌های کتاب حل می‌نماید و خودآزمایی توسط دانش آموزان	آشنایی با اسامی معرفه و نکره	اعلموا: المعرفه و المنکر	الدرس الرابع	هفته چهارم	
۱- پرسش شفاهی ۲- حل تمرینات درس دوم	توانایی حل و پاسخگویی به تمرین‌ها	تمرین‌ها	الدرس الرابع	هفته اول	
آزمون کتبی از درس چهارم برگزار می‌گردد.	آشنایی با سئوالات کتبی از مبحث معارف	آزمون ماهانه	—	هفته دوم	
۱- ترجمه درس پنجم ارائه می‌گردد. ۳- درک مطلب حل شود. ۴-	تقویت ترجمه	الصدق	الدرس الخامس	هفته سوم	بهمن

هفته چهارم	الدرس الخامس	اعلموا: الجملة بعد النكرة	شناخت و یادگیری و تشخیص جمله بعد از نکره	۱- معلم درس را با مثال‌های مختلف برای دانش آموزان حل می‌کند. خودآزمایی توسط دانش آموزان حل می‌شود.
هفته اول	الدرس الخامس	تمرین‌ها	توانایی حل و پاسخگویی به تمرین‌ها	۱- پرسش شفاهی انجام می‌شود. ۲- حل تمرینات درس دوم انجام می‌شود.
هفته دوم	—	آزمون ماهانه ارحموا ثلاثاً	آشنایی با سئوالات کتبی از جمله بعد النكرة تقویت ترجمه	۱- آزمون کتبی از درس پنجم برگزار می‌گردد. ۲- ترجمه درس ششم ارائه می‌گردد.
هفته سوم	الدرس السادس	اعلموا: ترجمه افعال مضارع	شناخت و یادگیری ترجمه افعال مضارع	۱- معلم مثال‌های مختلف درس را حل می‌کند. ۲- خودآزمایی توسط دانش آموزان حل می‌شود.
هفته چهارم	الدرس السادس	تمرین‌ها	توانایی حل و پاسخگویی به تمرین‌ها	۱- تمرین‌ها توسط دانش آموزان حل می‌شود. ۲- پرسش شفاهی از دانش آموزان انجام می‌شود.
هفته اول		تعطیلات نوروزی		
هفته دوم		تعطیلات نوروزی		
هفته سوم	—	مروری بر درس‌های پیشین	استحکام یادگیری	پاسخگویی به سئوالات پیش آمده در مورد دروس گذشته
هفته چهارم	—	آزمون ماهانه	آشنایی با سئوالات کتبی از مبحث ترجمه افعال مضارع	۱- آزمون کتبی از درس ششم برگزار می‌گردد. ۲- رفع اشکال بعد از آزمون
هفته اول	الدرس السابع	لا تقنطوا	تقویت ترجمه	۱- ترجمه درس هفتم ارائه می‌گردد.

معلم مثال‌های مختلف حل می‌کند. دانش آموزان خود آزمایی را حل می‌کنند.	شناخت و یادگیری ترجمه و کاربرد افعال ناقصه	اعلموا: معانی الافعال الناقصة	الدرس السابع	هفته دوم
۱- تمرین‌ها توسط دانش آموزان حل می‌شود. ۲- پرسش شفاهی از دانش آموزان انجام می‌شود.	توانایی حل و پاسخگویی به تمرین‌ها	تمرین‌ها	الدرس السابع	هفته سوم
۱- آزمون کتبی از درس هفتم برگزار می‌گردد. ۲- سئوالات حل می‌شود.	آشنایی با سئوالات کتبی معانی افعال الناقصة	آزمون ماهانه	—	هفته چهارم
طرح درس روزانه پیشنهادی کتاب عربی رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم				
مدت: ۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه		موضوع درس: مواظف قیمة		درس: اول
الف: بخش نظری: اهداف				
۱- صفحه ورود به درس ۲- متن درس ۳- واژه‌های جدید ۴- درک مطلب ۵- قواعد	رئوس مطالب	۱		
۱- آشنایی با کلمات جدید و یادآوری کلمات پایه‌های پیشین ۲- شناخت اسم تفضیل و اسم مکان ۳- آشنایی با بخشی از آیات پر کاربرد قرآن	اهداف کلی	۲		
دانش آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱- واژه‌های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند. ۲- متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند. ۳- اسم تفضیل را در حالت‌های مختلف تشخیص دهد، در جمله بشناسد و درست ترجمه کند. ۴- اسم مکان را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.	اهداف درسی	۳		
۱- صفت تفضیلی، صفت عالی و اسم مکان را در دستور زبان فارسی بشناسد. ۲- توانایی قرائت عبارات ساده عربی را داشته باشد.	پیش نیاز دانش آموز	۴		
نتایج ارزشیابی زیر، نقطه شروع آموزش را مشخص می‌کند. ۱- برای صفت ساده، برتر و برترین در زبان فارسی مثال بزند؛ زیبا، زیباتر و زیباترین ۲- برای اسم مکان در زبان فارسی مثال بزند؛ داروخانه، مدرسه، نانویی و ...	ارزشیابی تشخیصی	۵		
در صورت پاسخ به این سئوالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.	نتیجه			

ب) فرایند آموزش

مراحل تدریس و تنظیم محتوا

زمان: ۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه

ردیف	مراحل تدریس	شرح	زمان
۱	معارفه	<p>۱- سلام و احوالپرسی ۲- حضور و غیاب ۳- قبل از شروع تدریس معلم باید روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.</p>	۳
۲	ایجاد انگیزه	<p>اهمیت آموختن اسم تفضیل و اسم مکان را در زبان برای دانش آموز شرح می‌دهیم.</p> <p>۱- اشاره به کاربرد فراوان این دو نوع اسم در زبان.</p> <p>۲- اشاره به همین حواری سوق مشهد و جایگاه مهم این گفتگو در موقعیت‌های واقعی در زندگی</p>	۵
۳	معرفی درس و بیان اهداف	<p>در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم:</p> <p>دانش آموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم.</p> <p>بهره‌گیری از آیات پندآمیز ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان برای آشنایی دانش آموزان با زبان قرآن.</p>	۲
۴	شروع تدریس و ارائه درس	<p>این درس در سه جلسه به راحتی قابلیت تدریس دارد.</p> <p>جلسه‌ی نخست: ترجمه متن درس توسط دانش آموز با توجه به المَعْجَم و حل درک مطلب، از کتاب گویا برای روان خوانی کلمات معجم و متن درس کمک می‌گیریم.</p> <p>دانش آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه نامه و زیر نظر ما ترجمه می‌کنند.</p> <p>جلسه‌ی دوم: قرائت و توضیح بخش «اعلموا» و تمرین بخش «حواری»</p> <p>بخش «اعلموا» را یکی از دانش آموزان با صدای خوش و رسا می‌خواند و درباره آن سؤال می‌کنیم.</p> <p>دانش آموزان مناسب را شناسایی می‌کنیم تا هر جلسه یکی از آنها را قرائت کند.</p> <p>جلسه‌ی سوم: حل تمرینات و ارائه گزارش دانش آموزان داوطلب که بخش «پژوهش» را انجام داده‌اند.</p>	۵